



انجمن کانی‌شناسان و صنعت‌آوران ایران



انجمن معدنی‌شناسان ایران

www.iranmin.org

گزارش کارشناسی :

مشکلات حوزه صنعت و معدن
به تفکیک دستگاهی و موضوعی
(ویرایش چهارم)

فهرست مطالب

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۴	بخش اول: مشکلات موضوعی حوزه صنعت و معدن
۴	مشکلات ناشی از تحولات بین‌المللی
۶	حوزه قانون کار
۷	حوزه تامین اجتماعی
۱۱	حوزه پولی و بانکی
۱۴	حوزه مالیات‌ها
۲۸	بخش دوم: مشکلات صنایع در رابطه با دستگاه‌های مختلف
۲۸	وزارت امور اقتصادی دارایی
۳۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۳۳	گمرک جمهوری اسلامی ایران
۳۵	وزارت بازرگانی
۳۸	وزارت نفت و شرکت‌های تابعه
۳۹	وزارت نیرو
۴۱	وزارت جهاد کشاورزی
۴۲	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۴۳	موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی
۴۵	وزارت راه و ترابری
۴۷	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۴۹	وزارت امور خارجه
۴۹	وزارت مسکن
۴۹	وزارت صنایع و معادن
۵۰	استانداری
۵۰	سازمان محیط زیست
۵۰	شهرداری
۵۱	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
۵۲	سازمان بورس اوراق بهادار

گزارش حاضر مجموعه‌ای از مشکلات حوزه صنعت و معدن را به تفکیک دستگاهی و موضوعی در رابطه با دستگاههای مختلف مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، گمرک، وزارت بازرگانی، وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت صنایع و معادن، وزارت بهداشت و درمان، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، وزارت راه و ترابری، وزارت ارتباطات و فن‌آوری و ... بیان می‌کند و به صورت موضوعی به مشکلات حوزه صنعت و معدن ناشی از تحولات بین‌المللی، حوزه قانون کار، حوزه تامین اجتماعی، حوزه پولی و بانکی و حوزه مالیات‌ها می‌پردازد که با نظرخواهی از اعضای انجمن گردآوری شده است. (هر یک از موضوعات این گزارش طی گزارش‌های جداگانه‌ای از سوی انجمن و کنفدراسیون صنعت تهیه و منتشر گردیده است). نکات اصلی و مهم این گزارش بشرح زیر یادآوری می‌شود.

افزایش قیمت ارز در هنگام بازپرداخت تسهیلات ارزی بعثت دریافت تسهیلات، افزایش بدهی‌های معوقه به دلیل عدم تمدید حد اعتباری، کاهش سقف تسهیلات، طولانی بودن تشریفات اخذ تسهیلات به دلیل تعدد فرمهای اخذ وثیقه‌های متعدد و تغییرات ناگهانی مقررات و دستورالعمل‌های مربوط به نوع ارز مثل تغییر دلار به یورو از جمله مشکلات پولی و بانکی بخش صنعت است.

عدم توجه به اجرای مفاد مواد ۳۶، ۳۹، ۶۷ و ۱۰۱ قانون تامین اجتماعی به ترتیب در خصوص حق بیمه کارفرمایان، میزان کمک حق بارداری شاغلین زن، عدم توجه به ایرادات کارفرمایان به مواد ۲۸، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۹، ۵۰، ۶۶، ۳۵ در خصوص مشروط کردن صدور و یا

تجدید پروانه کسب، اخذ مطالبات بیمه از کارفرمایان از جمله مشکلات صنعتگران در حوزه مسایل تامین اجتماعی است.

سر در گمی در خصوص زمان شمول آیین نامه اجرایی ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل صنایع کشور در خصوص معافیت‌های ناشی از افزایش سرمایه شرکت‌ها، تفسیر متعدد از معافیت مالیاتی پایان خدمت کارگران موضوع بخشنامه بند ۵ ماده ۹۱ قانون مالیات‌ها، اخذ مالیات از نقل و انتقال سهام، مشکلات حوزه مالیاتی در خصوص فعالیت‌های صنعتی است. مشکلات استفاده از گشایش اعتبارات اسنادی، تاخیر در انجام مبادلات بین‌المللی، افزایش هزینه ریسک خریدهای خارجی، ضرورت بالا بودن نقدینگی شرکت برای خرید نقدی، عدم امکان استفاده از متخصصان خارجی، عدم ثبات قیمت‌های مواد اولیه به دلیل عدم انعقاد قراردادهای بلندمدت، مشکل مبادلات خارجی و تامین قطعات از جمله مشکلات ناشی از تحریم برای فعالان بخش صنعت است.

عدم ایفای تعهدات شرکت‌های دولتی در خصوص خرید از شرکت‌های بخش خصوصی، کنترل قیمت‌ها توسط وزارتخانه‌های بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی، تبدیل مودیان مالیاتی به ابزار دستگاههای دولتی برای جمع‌آوری مالیات، عدم توانایی بانک مرکزی در رفع مشکلات ناشی از تحریم، مشکلات موجود در خصوص کالا در گمرک، تغییر مکرر تعرفه‌ها توسط وزارت بازرگانی و تثبیت قیمت کالاها و خدمات بدون توجه به افزایش قیمت، عوامل تولید قطع آب در تابستان و گاز در زمستان توسط وزارت نیرو و شرکت گاز، مشکلات ایجاد شده برای واگذاری زمین‌های شهرک‌های صنعتی در وزارت کشاورزی، مشکلات به روز نبودن استانداردهای ملی و عدم انطباق آن با استانداردهای جهانی، مشکلات اخذ مبالغ اضافی از

حمل و نقل بار با هوایمای خارجی، مشکلات ناشی از برنامه در وزارت راه، مسایل ناشی از عدم تسریع اعطای خطوط ICT در وزارتخانه اطلاعات و فناوری، مشکلات موجود در خصوص تغییر کاربریها توسط تولیدکنندگان با کارخانجات در شهرداری، مشکل ورود و خروج و اقامت کارشناسان خارجی در وزارت خارجه و دخالت سازمان بورس در چگونگی افزایش سرمایه شرکتها از جمله مسایلی است که صنعتگران در رابطه با دستگاههای اجرایی با آنها مواجهند.

بخش اول : مشکلات حوزه صنعت و معدن

مشکلات ناشی از تحولات بین‌المللی

۱- مشکل استفاده از اعتبارات اسنادی، گشایش اعتبار و به طور کلی خدمات بانکی بین‌المللی:

به دلیل محدودیتهای ایجاد شده در نظام بانکی کشور بسیاری از بانکهای معتبر بین‌المللی از پذیرش اعتبار اسنادی بانکهای داخلی ممانعت می‌کنند. در نتیجه امکان گشایش اعتبار و استفاده از مبادلات بین بانکی از تولیدکنندگان داخلی سلب شده است، این مسئله واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات و قطعات یدکی و همین طور صادرات کالاها و محصولات تولیدی داخل را با مشکل مواجه نموده است.

۲- تاخیر در انجام مبادلات بین‌المللی، ورود مواد اولیه مورد نیاز :

به دلیل محدودیتهای اعمال شده بسیاری از تولیدکنندگان خارجی از فروش مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز به کارخانجات داخلی ممانعت می‌کنند و همچنین در خصوص طیف وسیعی از کالاها و تجهیزات حساسیتهای مضاعفی را نشان می‌دهند که در مجموع دسترسی به برخی از تجهیزات تولیدی و مواد اولیه یا امکان‌پذیر نیست و یا با دشواری و تاخیر بسیار زیادی میسر است.

۳- افزایش هزینه‌های تولید، افزایش ریسک خریدهای خارجی، تامین مواد اولیه از طریق واسطه‌ها :

به دلیل ممانعت بسیاری از تولیدکنندگان معتبر به فروش مستقیم کالاها و تجهیزات به کشور، تولیدکنندگان داخلی ناگزیر به خرید کالاهاى مورد نیاز از واسطه‌ها هستند این موضوع ضمن افزایش شدید قیمتها، ریسک عدم ایفای تعهدات توسط خارجی‌ها را به شدت افزایش داده است.

همچنین به علت تورم داخلی ناشی از طولانی شدن اجرای برخی از طرحها، ارقام هزینه‌های

ریالی سرمایه‌گذاری طرح با افزایش شدید و غیرقابل پیش‌بینی مواجه شده است.

۴- لزوم خریدها به طریق نقدی :

بسیاری از تولید کنندگانی که حاضر به انجام مبادلات با تولید کنندگان داخلی هستند از فروش مدت دار تجهیزات و مواد اولیه خودداری نموده و تنها به انجام مبادلات نقدی تمایل نشان می دهند که این امر تولید کنندگان داخلی را با مشکل نقدینگی و افزایش هزینه ها مواجه می کند.

۵- عدم امکان استفاده از نیروی متخصص خارجی :

دامنه محدودیتها تنها به مواد اولیه، تجهیزات و لوازم یدکی تولید، محدود نمی شود بلکه تولید کنندگان داخلی را در بهره گیری از نیروی متخصص خارجی نیز با مشکل مواجه ساخته است که این موضوع از تنگناهای تولید به شمار می رود.

با توجه به اینکه نیروی متخصص، یکی از نهادهای اصلی در برخی از صنایع کشور محسوب می شود بروز مشکل در این زمینه تنگناهایی را در تولید ایجاد می کند.

۶- عدم ثبات قیمت های مواد اولیه به دلیل عدم امکان انعقاد قراردادهای بلندمدت :

بدلیل پرهیز تامین کنندگان خارجی از انعقاد قراردادهای بلندمدت و تمایل آنها به انجام معاملات نقدی، قیمت مواد و تجهیزات از نوسانات بیشتری برخوردار است که این موضوع سودآوری صنایع داخلی را با تردید بیشتری مواجه ساخته است.

۷- مشکل در تامین ماشین آلات مورد نیاز برای تولید و قطعات یدکی و دستیابی به تکنولوژی روز:

امتناع تامین کنندگان خارجی در فراهم ساختن تجهیزات، ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز (که برای تداوم و توسعه تولیدات کشور لازم است) از دیگر اثرات محدودیت های اخیر است و مشکل در وارد کردن قطعات یدکی و تجهیزات منجر به افت راندمان تولید در صنایع کشور می شود.

۸- مشکل صادرات کالا و محصولات :

دامنه محدودیتها نه تنها واردات تجهیزات و تخصص‌های مورد نیاز صنایع را در بر می‌گیرد بلکه به دلایل اشاره شده از قبیل امتناع طرفهای خارجی به انجام مبادلات و عدم امکان استفاده از تسهیلات بانکی، صادرات برخی محصولات صنعتی را نیز مختل کرده است.

حوزه قانون کار

۱- گستردگی و شمول قانون کار

حیطه قانون کار بسیار گسترده و وسیع دیده شده و برای همه بخشهای اقتصادی (صنعتی، کشاورزی و خدمات) مقررات یکسان و واحدی پیش‌بینی شده است و حال آنکه شرایط این بخشها با یکدیگر متفاوت بوده و مقررات خاصی باید بر آنها حاکم باشد و همین مساله تا کنون مشکلاتی برای کارفرمایان ایجاد کرده است.

۲- الزامات یک سو به برای کارفرمایان

بررسی مفاد قانون کار نشان می‌دهد که اکثر مواد قانون الزامات و تکالیفی را برای کارفرمایان و مدیران در قانون پیش‌بینی کرده ولی کمتر وظیفه‌ای برای کارگران ملحوظ گردیده است. همین مساله سبب گردیده که کارگران تکلیف و الزامی برای خود قائل نبوده و تنها حضور بموقع در سر کار و کارگاه را بعنوان مهمترین تکلیف خود بشناسند. ذکر مواد مذکور از حوصله این بحث خارج است.

۳- محدودیت در اعمال مدیریت

به دلیل ماهیت مواد ذیل محدودیت‌های متعددی در اعمال مدیریت بوجود می‌آید:

- تغییر حقوقی در وضع مالکیت موضوع ماده ۱۴ قانون کار
- عدم امکان تغییر شرایط کار موضوع ماده ۳۶ قانون کار
- عدم امکان فسخ قرارداد کار موضوع ماده ۲۷ قانون کار
- تعلیق قرارداد کار موضوع مواد ۱۴ تا ۲۰
- طرق خاتمه قرارداد کار موضوع ماده ۲۱ و ۲۲

- افزایش هزینه‌های تولید در اثر پرداخت‌های مضاعف بصورت‌های مختلف

۴- کاهش مدت کار بر اساس افزایش تعطیلات و مرخصی‌ها و مرخصی‌های استعلاجی، بارداری

زنان کارگر و تعطیلات رسمی که جمع آنها بالغ بر ۱۲۰ روز می‌شود.

۵- **تشکل‌های کارگری** بویژه شوراهای اسلامی کار که بعنوان کمک در برنامه‌ریزی و همکاری با مدیریت در کلیه امور دخالت می‌نمایند و در بسیاری موارد مانع اعمال مدیریت می‌شوند.

۶- مجازات مدیران

فصل یازدهم قانون کار به مجازات مدیران و کارفرمایان اشاره دارد در این فصل مجازات‌های مختلفی برای تخلف از برخی موارد قانونی پیش‌بینی گردیده است. این مجازات‌ها به عنوان ضمانت اجرایی مقررات پیش‌بینی شده در قانون می‌باشد. ولی در فصل مذکور هیچ بحثی در مورد کارگران نیست. حال آنکه تجربه ثابت کرده است که ضرورت ایجاب می‌کند که برای هر دو طرف (کارگران و کارفرمایان) مجازات‌هایی به طور یکسان در نظر گرفته شود تا به وظایف و تعهدات خود عمل نمایند. به عنوان مثال در ماده ۱۸۴ قانون کار مسئولیت جزایی صدمه به کارگران متوجه مدیرعامل است و در بسیاری از کارخانجات مدیرعامل سهامدار شرکت نبوده و برای مدتی مسئولیت به او محول می‌شود.

حوزه تامین اجتماعی

۱- برخی از مواد قانون تامین اجتماعی که از سوی سازمان اجرا نمی‌شوند عبارتند از:

۱-۱- ماده ۳۶ قانون مقرر می‌دارد «کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده می‌باشد. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه، بیمه شده خودداری کند شخصا» مسئول آن خواهد بود و تاخیر کارفرما در پرداخت جهت بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود» سازمان عملاً به این ماده توجهی نمی‌نماید.

۱-۲- بموجب ماده ۳۹ کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد و همچنین صورت مزد و حقوق بیمه شدگان را به ترتیبی که در آیین نامه مربوط پیش‌بینی شده است به سازمان تسلیم کند. سازمان حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ دریافت صورت مزد اسناد و مدارک کارفرما را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت مشاهده نقص یا اختلاف و یا مغایرت به شرح ماده ۱۰۰ این قانون اقدام و مابه التفاوت را دریافت می‌دارد.

۳-۱- ماده ۶۷ چنین مقرر می‌دارد بیمه شده زن و یا همسر بیمه شده مرد در صورتیکه ظرف یک سال قبل از زایمان، شصت روز سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد می‌تواند به شرط عدم اشتغال به کار از کمک بارداری استفاده کند. کمک بارداری دو سوم آخرین مزد یا حقوق بیمه شده می‌باشد.

۴-۱- ماده ۱۰۱ مقرر می‌دارد سازمان مکلف است صورت مزد ارسالی از طرف کارفرما را ظرف مدت شش ماه از تاریخ وصول رسیدگی کند و در صورتیکه مغایرتی از لحاظ تعداد بیمه شدگان یا میزان مزد یا حقوق یا مدت کار اعلام شده مشاهده شود، مراتب را به کارفرما ابلاغ کند و در صورتیکه کارفرما تسلیم نظر سازمان نباشد می‌تواند از هیئت‌های تشخیص مواد ۴۳ و ۴ این قانون تقاضای رسیدگی کند.

لازم به ذکر است سازمان تامین اجتماعی از اجرای مواد فوق که منافع بیمه شدگان را در بردارد خودداری می‌کند و بدین طریق موجبات نارضایتی بیمه شدگان را فراهم نموده است.

۲- موادی از قانون تامین اجتماعی که مورد اعتراض کارفرمایان می‌باشد

۱-۲- ماده ۲۸ قانون در مورد میزان بیمه کارفرمایان. اکثر کارفرمایان از میزان درصد بالای حق بیمه کارفرمایان (۲۳ درصد مزد کارگر) ناراضی هستند.

۲-۲- ماده ۳۷ شامل دو مورد است:

۱- نقل و انتقال عین یا منافع مؤسسات کارگاههای مشمول قانون

۲- صدور یا تجدید پروانه کسب و کار یا همه نوع فعالیت دیگر.

در هر دو مورد فوق متقاضی باید مفاصا حساب پرداخت حق بیمه را ارائه دهد و این خود مشکلات بسیاری برای کارفرمایان ایجاد می‌کند.

۳-۲- ماده ۳۸ مربوط به سپردن کار به پیمانکار می‌باشد. در این ماده وظایفی برای

کارفرما پیش بینی گردیده است

۴-۲- ماده ۴۳ مربوط به اعضای هیئت بدوی تشخیص و ماده ۴۴ مربوط به هیئت تجدید نظر می باشد که نسبت اعضای هیئت های مذکور نامتناسب بوده و بیشتر از نمایندگان سازمان و یا شورای عالی سازمان در آن عضویت دارند. بعنوان نمونه در هیئت تجدید نظر نماینده کارگر وجود ندارد.

۴-۲-۵- مواد ۴۹ و ۵۰ قانون در مورد وصول مطالبات سازمان می باشد که کارفرمایان را با مشکلات فراوانی مواجه می سازد.

ماده ۴۹ مقرر می دارد مطالبات سازمان در اعداد مطالبات ممتازه می باشد و باید قبل از سایر مطالبات پرداخت شود و حال آنکه در مورد مزد و مالیات نیز چنین مقرراتی وجود دارد.

ماده ۵۰ مقرر می دارد مطالبات سازمان در حکم مطالبات مستند به اسناد، لازم الاجرا بوده و بر طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی بوسیله مامورین اجرای سازمان قابل وصول می باشد. دو ماده مذکور و آیین نامه اجرایی آن که مبتنی بر صدور اجراییه و بازداشت اموال منقول و غیر منقول و تعطیل کارگاه است غالباً کارفرمایان را دچار عسر و حرج می سازد.

۴-۲-۶- ماده ۶۶ مقرر می دارد هرگاه وقوع حادثه و بیماری مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظتی و یا بهداشتی از سوی کارفرما باشد سازمان، هزینه های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری ها و غیره را پرداخته و از کارفرما وصول خواهد کرد. مشکل مهم این ماده برای کارفرما تشخیص درست بازرس سازمان می باشد که بر اساس آن سازمان اقدام خواهد کرد و بازرسان نیز بعضاً به نفع سازمان نظر می دهند.

۴-۲-۷- ماده ۳۵ قانون مقرر می دارد سازمان می تواند در موارد لزوم با تصویب شورای عالی سازمان، مزد یا حقوق بیمه شدگان بعضی از فعالیت ها را طبقه بندی نماید و حق بیمه را به ماخذ درآمد مقطوع وصول و کمک های نقدی را بر همان اساس محاسبه و

پرداخت نماید. در این ماده ضابطه و معیاری برای تعیین مزد ثابت معین نگردیده و لذا همواره مورد اعتراض کارفرمایان و کارگران قرار گرفته است.

۸-۲- مساله حسابرسی از دفاتر و اسناد کارفرما موضوع ماده ۴۷ قانون

کارفرمایان مکلفند صورت مزد و حقوق و مزایای بیمه شدگان و همچنین دفاتر و مدارک لازم را در موقع مراجعه بازرسی سازمان در اختیار او بگذارند. بازرسان سازمان می توانند از تمام یا قسمتی از دفاتر و مدارک مذکور رونوشت یا عکس تهیه و برای کسب اطلاعات لازم به هر یک از رؤسا و کارمندان و کارگران و مراجع ذیربط مراجعه کنند.

بطوریکه ملاحظه می شود این ماده با مواد ۳۹ و ۱۰۱ مغایر است و این حسابرسی ها که بدون نظم و ترتیب و در هر زمان که سازمان بخواهد انجام می شود مورد اعتراض کارفرمایان می باشد.

۹-۲- خسارت دیرکرد و جریمه

قانون مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مربوط به خسارات و جرایم دیرکرد یا عدم پرداخت حق بیمه می باشد که مقرر می دارد کلیه کارفرمایانی که فهرست حقوق و مزد ماهانه کارگران خود را در موعد مقرر در پایان ماه بعد تهیه و ارایه نمایند ۲۰ درصد حق بیمه آن ماه جریمه خواهند شد و کارفرمایانی که مبلغ حق بیمه متعلقه را به موقع نپردازند ۲۲ درصد حق بیمه آن ماه جریمه می شوند. بدیهی است پرداخت ۴۲ درصد جریمه از سوی کارفرمایان مشکلات فراوانی برای آنان ایجاد می کند البته این مقدار بعداً "بموجب قوانین دیگر تعدیل گردیده و به جای ۲۲ درصد ۲ در هزار در روز مقرر شده است ولی در هر حال مساله خسارات و جرایم از جمله مشکلات کارفرمایان می باشد.

۱۰-۲- پرداخت ۲۰ درصد حق بیمه سهم کارفرما

در برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران جهت کمک به امر خطیر اشتغال، مواد ۴۹ (در برنامه سوم) و ۱۰۳ (در برنامه چهارم)

گنجانده شده بود. در این مواد قانونی اذعان شده است کارفرمایان با حفظ نیروهای موجود در صورت جذب نیروی جدید از طریق ادارات کار و امور اجتماعی از پرداخت ۲۰ درصد حق بیمه سهم کارفرما برای نفراتی که بدین صورت استخدام نموده‌اند معاف می‌باشند. متأسفانه شعبات سازمان تامین اجتماعی با تفاسیر مختلف از این مواد قانونی بدهی‌های سنگینی برای شرکتها ایجاد نمودند، که نه تنها باعث حمایت از کارفرمایان نشد بلکه باعث تحمیل بدهی‌های سنگین نیز گردید.

حوزه پولی و بانکی

۱- نحوه بازپرداخت تسهیلات ارزی

یکی از مشکلات صنعتگران دریافت تسهیلات ارزی (به عنوان مثال یورو) است در این خصوص مشکل از آنجا ناشی می‌شود که هنگام اخذ این نوع تسهیلات قیمت ارز پایین است ولی هنگام سررسید تسهیلات، قیمت ارز افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته این امر باعث افزایش هزینه‌های واحدهای تولیدی می‌شود لذا باید با تصویب ضوابطی بازپرداخت تسهیلات ارزی به صورت ریالی و بر مبنای نرخ زمان استفاده از تسهیلات محاسبه شود.

۲- بازپرداخت بدهی‌های معوق و جرایم دیرکرد

از دیگر مشکلات می‌توان به بدهی‌های معوقه اشاره کرد. افزایش بدهی‌های معوقه عمدتاً ناشی از کاهش و یا عدم تمدید حد اعتباری نزد بانکهاست و این در حالی است که درخواست مجدد تسهیلات بانکی به دلیل بدهی معوقه مورد تصویب قرار نمی‌گیرد و این واحدها برای بازپرداخت تحت فشار قرار می‌گیرند.

صدر آیین‌نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول موضوع مصوبه

۱۳۸۶/۱۰/۳۰ هیئت وزیران نه تنها بر خلاف مقدمه تصویب‌نامه که به تسهیل اعطای تسهیلات

بانکی ارتباط داده شده است برای واحدهای درگیر کمکی محسوب نمی‌شود بلکه بسیار سخت‌گیرانه است و عملاً پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی را غیر ممکن می‌نماید.

۳- پایین بودن سقف تسهیلات

۳-۱- پایین بودن سقف مبالغ تسهیلات تخصیصی توسط بانکهای دولتی باعث روی آوری به سقف خریداری یوزانس (مدت دار) یا اخذ تسهیلات از بانکهای غیر دولتی شده است که در این حالت به جهت دریافت کارمزد بیشتر باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود و این مسئله ناشی از صدور بخشنامه بانک مرکزی به کلیه بانکهای دولتی مبنی بر کاهش سقف تسهیلات سرپرستی بانکها و شعب است که موجب تشدید بحران نقدینگی واحدهای تولیدی شده است.

۳-۲- در اجرای قانون تسهیلات طرحهای زود بازده بخش قابل توجهی از منابع بانکها به این نوع تسهیلات تکلیفی اختصاص یافته و در نتیجه اثر مستقیمی در کاهش تسهیلات واحدهای تولیدی و خدماتی گذاشته است. توقف اعطای تسهیلات از محل طرحهای اشتغال‌زا و زود بازده، حتی در مواردی که طرح به تصویب سازمان صنایع رسیده است مشکلاتی را به وجود آورده است.

۴- تشریفات پرداخت تسهیلات

۴-۱- پرداخت وام از سوی بانکها به شرکتهای تولیدی منوط به ارایه سند شش دانگ است که این امر در اخذ وام اولیه میسر است و گرفتن وام دوم به صورت سند امکان پذیر نیست و باعث ایجاد معضلاتی در جهت تولید خواهد شد و اگر امکان اخذ سفته از مدیران برای پرداخت وام دوم میسر شود، واحدها کمتر دچار مشکل می‌شوند. و این امر در حالی است که پروسه بررسی، کارشناسی و تصویب اعتبارات در بانکها بسیار طولانی است. از طرف دیگر درخواست تضمین‌های سنگین برای تسهیلات از مشکلات دیگر پیش‌رو است و مشکل زمانی حادث می‌شود که اکثر تضمین‌های درخواستی برای تسهیلات یا اعتبارات اسنادی، سفته است ولی سفته با ارزش بالاتر از ۱۰۰ میلیون ریال

وجود ندارد و هزینه طراحی فرمهای مختلف و متفاوت و اخذ امضاهای فراوان از مشتریان در هر یک از مراحل افتتاح حساب یا اخذ تسهیلات و یا گشایش اعتبارات اسنادی که گاهی" به جای یک یا دو امضاء در هر مرحله، تعداد آنها به ۲۰ تا ۵۰ امضاء می رسد.

۲-۴- اصرار بانکها به انجام بازرسی کالاهایی که جزء استاندارد اجباری نیستند و صرفاً" به دلیل آن که کالا دارای ارزش بالایی است، موجب طولانی شدن روند واردات، کاهش سرعت عمل، افزایش هزینه ها و بالا رفتن قیمت تمام شده می گردد.

۳-۴- اسناد مورد نیاز بانک جهت اعتبارات می باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد، ارایه اسنادی که در روند واردات چندان موثر نیستند (از قبیل **Carrier Certificate** و **Freight Invoice**) و در بسیاری از مواقع فروشنده قادر به ارایه آنها نیست و این امر تنها موجب ایجاد بوروکراسی های پیچیده و اتلاف وقت و ایجاد هزینه می شود.

۴-۴- عدم پرداخت سرمایه در گردش به بنگاههای اقتصادی مشکلات عدیده ای را به وجود آورده است چرا که با توجه به مشکلات اقتصادی و رکود بازار بدیهی است حذف تسهیلات سرمایه در گردش از جریانات مالی بنگاهها، ساختار مالی آنها را شکننده می کند.

۵- نرخ ارز

۱-۵- تغییرات ناگهانی مقررات و آیین نامه ها از جمله تغییر نوع ارز واردات از دلار به یورو منجر به تحمیل هزینه های مالی شده است.

۲-۵- مبنا قراردادن یورو، زیان قابل ملاحظه ای در بخش صادرات ایجاد کرده است چرا که فروش محصولات بر پایه دلار است و انتقال وجه بر پایه یورو انجام می شود که باید تفاوت قابل ملاحظه در تبدیل دلار به یورو پرداخت شود.

۳-۵- ثابت نگهداشتن نرخ تسعیر دلار توسط بانک مرکزی در شرایط فعلی، باعث افزایش هزینه سرمایه گذاری ثابت و یا تامین مواد اولیه، ملزومات مصرفی و قطعات یدکی وارداتی شده است و این مشکل با اعمال محدودیت در پرداخت وام دلاری از سوی بانک مرکزی نیز همراه است.

۴-۵- موضوع مطالبه مابه‌التفاوت نرخ ارز که مشکلات بسیار زیادی برای مضمولان فراهم کرده است.

حوزه مالیات‌ها

۱- ماده ۶۴ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (موضوع ۳ در هزار درآمد مشمول مالیات به عنوان سهم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن)

در مورد موضوع ۳ در هزار سهم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، مشکل از آنجا ناشی می‌گردد که بموجب ماده ۶۴ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی سه در هزار متعلق به اتاق شامل سه در هزار درآمد مشمول مالیات است که باید مبلغ مذکور پرداخت و فیش واریزی به حساب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتاق‌های تعاون ارایه گردد. مفهوم ماده کاملاً روشن است که باید ۳ در هزار درآمد مشمول مالیات پرداخت گردد و این امر تا سال ۱۳۸۵ نیز اجرا می‌شده است ولی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران طی نامه شماره ۳۵/۱۷۴۳۱ مورخ ۸۴/۱۲/۹ خطاب به روسای اتاق‌ها در استانها با عطف به نامه شماره ۲۰۱/۹۷۶۲ مورخ ۶۱/۱۱/۲۶ ریاست محترم شورای عالی مالیاتی دستور داده است که مبنای محاسبه سه در هزار سهم اتاق درآمد مشمول مالیات قطعی مودیان مورد نظر قبل از معافیت‌ها است و بدین طریق میزان پرداختی مودیان بابت سه در هزار بیش از مبلغی می‌گردد که در ماده ۶۴ فوق‌الذکر بیان گردیده است. در قسمت آخر بخشنامه ۷۱۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۲/۳ در ارتباط با مآخذ محاسبه ۳ در هزار سهم اتاق بازرگانی آمده است: «درآمد مشمول مالیات قطعی شده مودیان ذریبط قبل از کسر

معافیت‌های مقرر قانونی» است به این ترتیب در حقیقت وزارت اقتصاد و دارایی جمله : «قبل از کسر معافیت های قانونی» را به مفاد ماده ۶۴ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اضافه کرده است که این الحاق کاملاً مغایر این ماده است. در این ماده صراحتاً قید شده است که ۳ در هزار مورد بحث باید از «درآمد مشمول مالیات» اخذ شود و در صورت اصرار مسئولین ذیربط، ابتدا باید ماده ۶۴ اصلاح شود.

۲- تبعات آیین نامه اجرایی ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور (معافیت افزایش سرمایه)

به منظور تسهیل نوسازی صنایع کشور و تحقق جهش صادراتی، مجلس شورای اسلامی طی مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۶ با عنوان قانون بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم و با عنایت به استراتژی نظام مالیاتی کشور و نیز به منظور تشویق شرکتهای صنعتی به اصلاح ساختار مالی چنین مقرر داشت که چنانچه طی چهار سال بعد از تاریخ تصویب قانون فوق الذکر شرکتهای صنعتی مبادرت به افزایش سرمایه نمایند، طی پنج سال معادل افزایش سرمایه از درآمد مشمول مالیات آنها کسر خواهد شد و بموجب ماده ۶ آیین نامه اجرایی^۱ قانون مذکور، مقرر گردیده شرکتهای صنعتی متقاضی استفاده از این مشوق باید در پایان اولین سال مالی و سالهای بعد از اولین سال افزایش سرمایه، تاییدیه یکی از حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران را که مستند به گزارش حسابرسی شرکت باشد، به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه نماید و علت این امر هم لزوماً رعایت ذیل ماده ۴ قانون مزبور بوده است که مقرر می دارد شرکتهایی که نسبت سرمایه به بدهی آنها کمتر از ۳۰٪ باشد و همچنین شرکتهایی که پس از افزایش سرمایه نسبت به کاهش آن اقدام نمایند، از تاریخ تصویب کاهش سرمایه، از این مشوق برخوردار نخواهند بود.

۱- ماده ۶ آیین نامه اجرایی ماده (۴) قانون تنظیم... :
شرکتهای صنعتی متقاضی استفاده از مشوق موضوع این آیین نامه، باید در پایان اولین سال مالی و سالهای بعد از اولین افزایش سرمایه، تاییدیه یکی از حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران را که مستند به گزارش حسابرسی شرکت باشد در مورد زیر دریافت و به سازمان امور مالیاتی کشور (اداره کل امور مالیاتی ذی ربط شرکت) ارائه نمایند:
الف- میزان افزایش سرمایه پرداخت شده
ب- رعایت حداقل نصاب نسبت سرمایه به بدهی (سی درصد) و اعلام میزان سرمایه پرداخت شده و بدهیهای شرکت در تاریخ ترازنامه (پایان سال مالی شرکت)
ج- صرف منابع حاصل از افزایش سرمایه در سرمایه گذاری ثابت و یا سرمایه در گردش همان شرکت
د- عدم کاهش سرمایه

در جهت رعایت موازین قانون فوق الذکر، شرکتهای صنعتی که افزایش سرمایه داده اند و به منظور دقت در ثبت و ضبط و نگهداری حسابها طبق موازین حسابداری حرفه ای و قانونی، از حسابداران رسمی جهت این امر استفاده نموده اند و بر روال اینکه مهلت و موعد تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و به تبع آن پرداخت مالیات بموجب ماده ۱۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم^۲ چهار ماه شمسی پس از پایان سال مالی است، تاییدیه حسابرسی رسمی خود را قبل از قطعیت پرونده مالیاتی به ادارات امور مالیاتی مربوطه تسلیم نموده اند ولی ادارات مالیاتی به استناد ماده ۶ آیین نامه اجرایی ماده (۴) قانون مزبور که اشعار می دارد برای استفاده از تسهیلات این مشوق شرکتهای متقاضی باید تاییدیه حسابرس عضو جامعه حسابرسان که مستند به گزارش حسابرسی باشد را در پایان اولین سال و سالهای بعد از اولین سال افزایش سرمایه تسلیم ادارات مذکور نمایند، از قبول کسر مبلغ افزایش سرمایه گذاری از درآمد مشمول مالیات خودداری می نماید که این امر عملاً هدف اصلی قانون مزبور را بلا موضوع کرده است.

۳- معافیت مالیاتی پایان خدمت کارگران

بخشنامه شماره ۱۱۷۱۹/۸۳۲۴۵-۳۰/۴ مورخ ۷۷/۱۱/۹ در مورد لغو معافیت مالیاتی پایان خدمت کارگران با قرارداد موقت که قراردادشان تمدید یا تجدید می گردد در راستای موضوع بند ۵ ماده ۹۱ قانون مالیاتهاست. در واقع این بخشنامه مغایر با بند ۵ ماده ۹۱ قانون مالیاتهاست^۳ مضافاً اینکه این تفسیر وجود دارد که هر گاه قرارداد کار موقت لغو و قرارداد جدیدی منعقد گردد؛ قرارداد بعدی دایم بوده و مبلغ پرداختی مزایای پایان خدمت محسوب

۲- ماده ۱۵۵ - سال مالیاتی عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند ماه همان سال ختم می شود لیکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آنها به موجب اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی کند درآمد سال مالی آنها به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات قرار می گیرد و موعد تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و سررسید پرداخت مالیات آنها چهار ماه شمسی پس از سال مالی می باشد.

۳- ماده ۹۱: درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:

بند ۵- حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری و پایان خدمت و خسارت اخراج و بازخرید خدمت و وظیفه یا مستمری پرداختی به وراث

نمی گردد البته این تفسیر در حوزه وظایف مجلس شورای اسلامی است، اگر چه بخشنامه ماده ۷ قانون کار و تبصره ۲^۴ آن موضوع را کاملاً روشن کرده و نیازی به تفسیر ندارد. طبق نص صریح بند ۵ ماده ۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم، مزایای پایان خدمت بدون هیچگونه قید و شرطی از پرداخت مالیات معاف شده است. بنابراین با توجه به ماده ۲۴ قانون کار^۵، چنانچه شخصی برای یک سال کار کرده باشد مستحق دریافت یک ماه حقوق پایان خدمت خواهد بود که الزاماً از مالیات معاف است. اگر چه این قرارداد به کرات تمدید یا تجدید گردد.

۴- اخذ مالیات از نقل و انتقال سهام

مقررات وضع شده در بخشنامه شماره ۳۰/۴/۶۸۸۹/۲۹۰۸۸ مورخ ۷۵/۶/۱۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی در خصوص دریافت علی الحساب مالیات نقل و انتقال سهام در بورس و خارج از بورس، دچار ابهاماتی است. به عنوان مثال استناد بخشنامه مزبور به ماده ۱۶۳ قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب سال ۱۳۶۶) برای دریافت علی الحساب مالیات نقل و انتقال سهام به میزانی که تعیین شده یا هر میزان دیگر، با مفاد ماده مزبور چندان مطابقتی ندارد زیرا ماده مزبور دریافت علی الحساب را فقط در صورت احراز شرایط خاصی اجازه داده است که بر اساس مالیات به نسبتی از آخرین مالیات قطعی شده سنوات قبل یا نسبتی از حجم فعالیت قابل محاسبه و تخمین باشد و حال آن که در مورد تعیین مالیات سهام هیچ یک از دو شرط مزبور قابل تحقق نیست. از طرفی نیز تبصره ذیل ماده ۱۴۳ قانون مالیات های مستقیم صراحتاً "مالیات قطعی نقل و انتقال سهام در بورس را به ماخذ نیم درصد ارزش فروش

۴- ماده ۷ - قرارداد کار عبارتست از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیر موقت برای کارفرما انجام می دهد.

تبصره ۱ - حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲ - در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد ، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود ، قرارداد دائمی تلقی می شود

۵- ماده ۲۴ - در صورت خاتمه قرارداد کار ، کار معین یا مدت موقت ، کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد ، یکسال یا بیشتر ، به کار اشتغال داشته است برای هر سال سابقه اعم از متوالی یا متناوب بر اساس آخرین حقوقی مبلغی معادل یکماه حقوق به عنوان مزایای پایان کار به وی پرداخت نماید .

سهام تعیین نموده و مطالبه وجه دیگری را از این بابت منع کرده است. بنابراین از هر نقل و انتقال سهام (چه به عنوان حق تقدم و چه به هر عنوان دیگر) طبق صراحت این ماده، مطالبه مالیات دیگری با مفاد ماده مزبور مغایرت دارد. لذا پیشنهاد این است که چنانچه وزارت امور اقتصادی و دارایی بر این اعتقاد است که باید مالیات بیشتری از نقل و انتقال سهام دریافت شود تنها راه ممکن اصلاح قانون و تعیین نرخ ثابتی برای این گونه نقل و انتقالات است.

۵- مشکلات مربوط به اصلاح موادی از قانون مالیاتهای مستقیم

ماده ۸۵- نرخ مالیات بر در آمد حقوق ذکر شده در این ماده مجموع دریافتی کارکنان دولت اعم از حقوق و پاداش مشمول ۱۰ درصد مالیات می شود ولی سایر حقوق بگیران مشمول پرداخت ۳۵ درصد مالیات می شوند.

بند ۳ ماده ۹۱- حقوق کارکنان از جهت افزایش سطح قیمت کالاها و مزایای غیر نقدی که نسبت به میزان معافیت مقرر در قانون که معادل دو دوازدهم معافیت موضوع ماده ۸۴ است هر ساله از جهت میزان کالاهای اختصاصی به کارکنان از افت محسوسی برخوردار شده است.

ماده ۹۴- در آمد مشمول مالیات در این ماده با ماده ۱۰۵ و سایر مواد دیگر مغایرت دارد. که برای رفع آن بهتر است جمله پس از کسر معافیت مقرر در این قانون نیز به ماده ۹۴ اضافه گردد.

مشکلات ناشی از ماده ۱۰۴

- سازمان مالیاتی پس از اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم مواردی را به امور مصرح در ماده مذکور جهت کسر ۵٪ علی الحساب مالیات مؤدی اضافه نموده است.

- مشکلاتی از جهت حذف مالیات قرارداد که منجر به صدور دستورالعمل سازمان مالیاتی جهت حل مشکل از بابت عدم کسر ۵٪ مالیات تکلیفی از رانندگان وسائط نقلیه عمومی گردیده، بوجود آمده است.

- رسیدگی های مالیاتی هر نوع ساخت کالا که بصورت سفارشی می باشد ۵٪ مالیات تکلیفی اخذ می شود در صورتیکه مواد و قطعات استفاده شده در ساخت کالای سفارش شده مشمول مالیات نمی باشد.

- با توجه به نحوه فعالیت کارخانجات آرد کشور طبق ماده ۱۰۴ شرکت غله و خدمات بازرگانی از کارمزد پرداختی مبلغ ۵٪ به عنوان علی الحساب مالیات کسر و به حساب سازمان مالیاتی واریز می نماید و از آنجا بیکه طی بخشنامه ای معادل ۷۰٪ از ۵٪ مالیات تکلیفی مکسوره به مؤدی مسترد و ۳۰٪ آن در زمان رسیدگی دفاتر تسویه می گردد این امر باعث شده که برای استرداد این مبالغ شرکتها متحمل صرف هزینه بسیار شوند و نیز به حجم کار کارکنان سازمان مالیاتی اضافه می گردد.

ماده ۱۰۵- طبق این ماده جمع درآمد شرکتها و درآمد ناشی از فعالیتهای انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می شود پس از وضع زیانهای حاصل منابع غیرمعاف و کسر معافیههای مقرر مشمول مالیات به نرخ ۲۵٪ می باشد. بهتر است به منظور تشویق سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن نرخ مالیات عملکرد فعالیتهای تولیدی صنعتی و معدنی ۱۰ تا ۱۵٪ کاهش یابد.

ماده ۱۰۷- نحوه کسر و پرداخت مالیات و ضرایب مربوط به پرداختهایی که مربوط به اشخاص خارجی هستند و از ایران درآمد دارند و اقدام به تنظیم قرارداد می نمایند، در متن ماده به طور مشخص تعیین و تدوین نگردیده است

ماده ۱۱۱- در خصوص ادغام یا ترکیب شرکتها میبایست به تأیید ذیصلاح برسد که این مراجع ذیصلاح در آئین نامه اجرایی ماده ۱۱۱ قانون مشخص نشده است.

ماده ۱۱۹- درآمد نقدی و یا غیر نقدی که شخص حقیقی یا حقوقی بصورت بلاعوض و یا از طریق معاملات محاباتی یا به هر عنوان دیگر از این قبیل تحصیل می نماید مشمول مالیات اتفاقی به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود. نرخ مقرر در این ماده میبایست اصلاح گردد. زیرا نرخ مالیات اشخاص حقوقی بر طبق ماده ۱۰۵، ۲۵٪ و نرخهای موضوع ماده ۱۳۱ صرفاً مربوط به اشخاص حقیقی است بنابراین اشخاص حقوقی نمی توانند با دو نرخ مالیات پرداخت نمایند.

مشکلات ناشی از ماده ۱۳۲

- معافیت مالیاتی سال ۱۳۸۷ هنوز مشخص نشده است - کمک های غیر نقدی مازاد بر ۲ برابر معافیت حقوق مشمول مالیات می باشد ولی عملاً" با توجه به تورم این گونه نیست. بهتر است هزینه های حق سرویس و غذا که بصورت نقدی به پرسنل پرداخت می شود معاف از مالیات باشد.

- شرکتهای مشمول مقررات این ماده کلیه هزینه هایی که انجام می دهند در راستای فعالیتهای تولیدی است و بدلیل اینکه ملاک معافیت ، درآمد مشمول مالیات ابرازی است در رسیدگی مالیاتی که توسط ادارات امور مالیاتی انجام می شود بخشی از هزینه های

شرکت مورد قبول واقع نمی شود که بهتر است به جای درآمد مشمول مالیات ابرازی درآمد ناشی از فعالیتهای تولیدی و معدنی قید شود.

- توجه به حذف تخفیفات و ترجیحات مربوط به فعالیت اشخاص حقوقی دولتی و ایجاد فعالیت در شرایط برابر که برای رسیدن به این منظور باید عبارت بخشهای تعاونی و خصوصی عبارت کلیه بخشهای جایگزین حذف شود.

اصلاحیه ماده ۱۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم (۱۳۸۰/۱۱/۲۷)^۶

ماده ۱۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم (قبل از اصلاحیه اخیر) که معافیت مالیاتی موضوع آن، ناظر بر ذخیره (اندوخته) سود ابرازی شرکتهای تولیدی برای اجرای طرحهای توسعه، نوسازی، بازسازی و تکمیل صنایع موجود یا ایجاد واحدهای صنعتی جدید بوده از زمان اجرای قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب سال ۱۳۴۵) تا اصلاحیه ۸۰/۱۱/۲۷، یکی از موثرترین اهرمها و ساز و کارهای مالیاتی برای تحقق اهداف موضوع آن به شمار می رفت. در مقایسه متن اصلاحی (۸۰/۱۱/۲۷) این ماده، با مقررات و ضوابط متن قبل از آن، نارساییهای زیر مشخصاً قابل ذکر است:

۱- در متن قبل از اصلاحیه اخیر، صددرصد سود ابرازی حاصل از فعالیت صنعتی و معدنی که برای طرح های موضوع این ماده ذخیره (اندوخته) می گردید، از پرداخت مالیات معاف بود حال آن که در متن اصلاحی ماده مورد نظر، ۵۰ درصد

۶- اصلاحیه ماده (۱۳۸) قانون مالیاتهای مستقیم (۱۳۸۰/۱۱/۲۷) : آن قسمت از سود ابرازی شرکتهای تعاونی و خصوصی که برای توسعه و بازسازی و نوسازی یا تکمیل واحدهای موجود صنعتی و معدنی خود یا ایجاد واحدهای جدید صنعتی یا معدنی در آن مصرف گردد از پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات متعلق موضوع ماده (۱۰۵) این قانون معاف خواهد بود مشروط بر اینکه قبلاً اجازه توسعه یا تکمیل یا ایجاد واحد صنعتی یا معدنی جدید در قالب طرح سرمایه گذاری معین از وزارتخانه ذیربط تحصیل شده باشد. در صورتی که هزینه اجرای طرح یا طرحهایی یاد شده در هر سال مازاد بر سود ابرازی همان سال باشد و یا از هزینه طرح سرمایه گذاری کمتر باشد شرکت می تواند از معافیت مذکور در محاسبه مالیات سود ابرازی سالهای بعد حداکثر به مدت سه سال و به میزان مازاد مذکور و یا باقیمانده هزینه اجرا یا تکمیل طرح بهره مند شود.

«مالیات متعلق به آن قسمت از سود ابرازی که برای طرح های صدر اشاره مصرف گردد»، معاف از مالیات خواهد بود.

این در شرایطی است که ایجاد محدودیت های فوق و کاهش انگیزه سرمایه گذاران برای استفاده از این معافیت، در وضع بحرانی کنونی سرمایه گذاری در صنعت، طی اصلاحیه اخیر دقیقاً نقض غرض قانونگذار و متولیان طراحی اهداف کلان سیاستهای مالیاتی است.

۲- در بند (۱-۲) دستورالعمل اجرایی، موکداً قید شده است که: «مجوز طرح باید قبل از اجرای طرح و منظور نمودن هزینه اخذ شده باشد» این در حالی است که اولاً، چنین شرطی در متن ماده ذکر نگردیده و ثانیاً قید «سلیقه ای» آن در دستورالعمل اجرایی، اکثر سرمایه گذاران را در بهره مندی از معافیت موضوع ماده با مشکل مواجه ساخته است. بدین معنی که شرط مزبور، عملاً سرمایه گذار را مقید و ملزم به «اخذ مجوز، قبل از تدوین و تصمیم به شروع طرحی می سازد که عرفاً و معمولاً» (همانند گذشته - قبل از اصلاح این ماده)، «اخذ مجوز»، موخر بر تدوین و شروع به طرح بود و نتیجه این شرط خارج از متن قانون، بروز این اشکال است که سرمایه گذار، در مقطع تسلیم اظهارنامه عملکرد اخیر خود، با وجود تدوین و شروع طرح، بدلیل عدم اخذ مجوز در سال قبل (که اصولاً معلوم نیست شرکت در پایان عملکرد سود یا زیان داشته باشد) عملاً از مزایای محدود معافیت پیش بینی شده محروم می گردد و این در حالی است که اصولاً در ماده ۱۳۸ اصلاحی، چنین قید و محدودیتی پیش بینی و تصریح نگردیده است.

ماده ۱۴۳- سلب واگذاری حق تقدم سهام مربوط به اشخاص حقوقی و انتقال آن به سایر اشخاص که بر اساس مصوبه مجمع عمومی صورت می گیرد تعیین تکلیف نشده و نرخ مالیات مشخص نشده است.

ماده ۱۴۴- اصلاحیه موضوع ماده مذکور مربوط به اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۷۱/۲/۷ می باشد و این معافیت در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۷ به اتمام رسیده است که باید این بخش از ماده حذف شود.

ماده ۱۴۷- عبارت « در حدود متعارف» در این ماده باعث میگردد که برداشتهای متفاوتی از سوی ادارات امور مالیاتی در خصوص هزینه ها صورت گیرد.

ماده ۱۴۸- موضوع قابل قبول بودن هزینه سود و کارمزد پرداختی به بانکهای خارجی در حال حاضر بر اساس بخشنامه سازمان مالیاتی تعیین نرخ و به واحدهای مالیاتی ابلاغ شده است که این موضوع باید به این ماده اضافه شود.

ماده ۱۴۹- در بند ۴ این ماده مقرر گردیده که هزینه های تاسیس و هزینه های زاید بر درآمد جز در مواردی حداکثر تا ۱۰ سال از تاریخ بهره برداری بطور مساوی قابل استهلاک است که مقررات این بند با استانداردهای حسابداری مغایرت دارد که باید با آن هماهنگ شود.

ماده ۱۸۹- مواد ۱۸۹ و ۱۵۶ مغایر هم می باشند.

ماده ۱۹۰- ماموران مالیاتی هنگام رسیدگی به پرونده های مالیاتی مؤدیان باموارد مشابه، اغلب برخوردی متفاوت دارد (بعلت عدم شفافیت در قوانین مالیاتی)، اغلب برگ مالیاتی صادره مورد اعتراض مؤدیان قرار می گیرد.

ماده ۱۹۲- در تبصره این ماده به هزینه های غیر واقعی اشاره نموده که یک عبارت کلی است و مبنای مشخصی جهت واقعی بودن یا غیر واقعی نبودن هزینه ها مشخص نگردیده است.

ماده ۲۱۹- تجربه نشان می دهد که متأسفانه بخشنامه های صادره از سوی سازمان مالیاتی

بیش از آنکه به فکر تفسیر واقعی قوانین و مقررات باشد فقط جنبه اخذ مالیات بیشتر را

مد نظر قرار می دهند که باعث مشکلات عدیده ای گردیده است

بند ۱ ماده ۲۵۵- در این بند شورای عالی مالیاتی صرفاً پیشنهاد کننده است در خیلی از

موارد منجر به صدور بخشنامه نمی گردد که در طول اجرای این قانون نظرات اداره کل

فنی مالیاتی که در قانون جهت اظهار نظر پیش بینی نشده است ملاک عمل قرار گرفته

است و منجر به صدور بخشنامه گردیده است.

تبصره ۱ ماده ۲۷۲- بر اساس تبصره ۱ ماده مذکور اداره امور مالیاتی میبایست عین

گزارش حسابرسی مالیاتی را در صورتیکه به موقع توسط مؤدی تسلیم گردد قبول نماید

لیکن سازمان مالیاتی با صدور بخشنامه هایی بر خلاف نص صریح قانون مالیاتهای

مستقیم، رسیدگی مجدد توسط ادارات مالیاتی نسبت به گزارش حسابرسی مالیاتی را

مجاز دانسته است.

۶- مالیات بر ارزش افزوده

دریافت مالیات بر ارزش افزوده صرفنظر از ابهاماتی که در مورد تشخیص و اجرای آن

وجود دارد مانند دریافت سایر حقوق دولتی تنها مشمول شخصیت های حقیقی و حقوقی

می شود که شناخته شده اند و دفاتر رسمی دارند و با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از

تولیدکنندگان دفاتر رسمی ندارند و مشتریان هم ترجیح می دهند نامشان در وزارت

امور اقتصادی و دارایی منعکس نشود و از تولیدکنندگان بدون هویت خرید نمایند که در

نتیجه رقابت را در کشور نابرابر می نماید.

برخی از مشکلات مطرح شده در این زمینه در زیر آمده است:

- ۱- فروش کالای صنعتی در بازار امروز معمولاً بین ۴ تا ۸ ماه سررسید می باشد لذا تسویه مالیاتی مبادلاتی که در قبال آن وجهی پرداخت نشده است چگونه خواهد بود.
- ۲- قسمتی از مواد و قطعات محصول از خارج از کشور تامین می گردد که هنگام ورود در گمرک باید ۴٪ حقوق گمرکی پرداخت شود و معمولاً حدود ۳ تا ۴ ماه برای تولید محصول نهائی زمان لازم است یعنی در واقع وجه عوارض پرداخت شده است، چنانچه فروش ۴ تا ۶ ماهه باشد بنابراین جمعاً مدت ۸ تا ۱۰ ماه ۴٪ حقوق گمرکی که به دولت پرداخت شده است با اضافه سهم شرکت در ارزش افزوده (VAT) خواهد بود که بار سنگینی برای تولید کننده خواهد داشت.
- ۳- قسمتی از مواد داخلی از سازمانهای دولتی خریداری می شود که اجباراً باید ۳٪ مالیات پرداخت شود همانند مورد بالا ۸ تا ۱۰ ماه مبلغ ۳٪ پرداخت شده است و به اضافه ۳٪ ارزش افزوده (VAT) در حالی که شرکت، باید معطل وصول آن بود.
- ۴- ممکن است عنوان شود که هنگام فروش ۴٪ پرداختی به فروشندگان قبلی با اضافه سهم ۳٪ از ارزش افزوده شرکت بحساب خریدار بعدی منظور می گردد و در نهایت وصول می شود اما در حقیقت بسیاری از خریداران جدید که شرکتهای غیردولتی هستند از پرداخت این ۳٪ مالیات امتناع می کنند و به عنوان تخفیف برای دولت قلمداد می کنند که این بار مالی انباشته حاصل از ۳٪، شرکتهای تولیدی را با ورشکستگی روبرو می کند.
- ۵- بعلت عدم دسترسی همه واحدهای صنفی و صنعتی به کد اقتصادی جدید بعضاً شرکت های توزیع کالا در اخذ کد اقتصادی از خریداران نهایی (مغازه داران) دچار مشکل می باشند لذا زنجیره تولید کشور دچار اختلال گردیده و با گذشت مدت اندکی از شروع اجرای این قانون انبار کارخانجات مملو از کالای بدون تقاضا می باشد. لذا لازم است بخشنامه اخذ کد اقتصادی به نوعی اصلاح و به اخذ نام و آدرس کامل و تلفن و تکمیل شود (شناسایی کامل)
- ۶- شناسائی کامل کلیه اشخاص تحت پوشش این مالیات توسط سازمان امور مالیاتی و اختصاص و ابلاغ شماره شناسائی و در اختیار نهادن برورسورهای ساده اجرای

قانون ، همراه با فرم های متحدالشکل صورتحساب فروش، اظهارنامه ، فرم پرداخت یا استرداد مالیات و دستورالعمل اجرایی کار که بنا به تجارب کشورهای که این قانون را در نظام مالیات خود به اجرا گذارده‌اند. برای این همه امور مهم ، از تاریخ ابلاغ قانون تا اجرای آن حداقل ۱۲ ماه زمان لازم است که چنین مهلتی (با وجود پیش بینی زمانی ۲۴ ماهه در پیشنهاد لایحه اولیه) مد نظر قرار نگرفته است و در واقعاً مؤدیان را در سردرگمی و بلاتکلیفی و ترس از جرایم سنگین و اضطراب فرو برده است.

۷- مسائل ویژه‌ای مانند خریدهای فصلی و فاصله زمانی خرید و بسته‌بندی اجناس و شروع فروش آنها و همچنین فروش اقساط و مدت دار در احکام و مقررات قانون پیش بینی نشده است.

۸- با توجه به اینکه نظام شناسایی مؤدیان در قانون مالیات بر ارزش افزوده از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نبوده و یا بصورت واقعی صورت نخواهد گرفت، امکان بروز پیامدها و اثرات تجمعی بر روی قیمت با اجرای این قانون و ایجاد شرایط غیر رقابتی در بین صنوف را بیش از پیش تشدید خواهد ساخت. از سوی دیگر عدم اطلاع رسانی لازم از سوی سازمان امور مالیاتی طی مدت محدود از زمان اجرای قانون، منجر به سوء استفاده برخی مؤدیان از مصرف‌کنندگان و افزایش قیمت بخش عمده‌ای از کالاها طی دوره مذکور گردیده است.

۹- مطابق با ماده ۱۱ قانون، تاریخ تعلق مالیات در مورد عرضه کالاها، تاریخ صورتحساب، تاریخ تحویل کالا یا تاریخ تحقق معامله کالا، هرکدام که مقدم باشد عنوان گردیده است. این در حالی است که در بخشهای خاصی از جمله ارائه خدمات مخابراتی، انرژی یا استحصال و تامین آب مشترکین، تاریخ تعلق مالیات موضوع ماده مذکور قابلیت تعمیم به موارد فوق را ندارد و می‌بایست به طور شفاف تکلیف مؤدیان در این خصوص روشن گردد.

۱۰- بخش عمده‌ای از قراردادهای عرضه کالاها و خدمات در صنوف مختلف دارای بعد زمانی است لکن مطابق با مفاد قانون، پرداخت مالیات‌های متعلقه، توسط مؤدیان بطور کامل در دوره‌های مالیاتی مشخص شده انجام می‌گیرد. از سوی دیگر عرضه کالاها و خدمات در شرایط نسیه و دارای بعد زمانی دارای شرایط ریسک بوده و جزء مطالبات مشکوک‌الوصول تلقی می‌گردد و از اینرو در صورت عدم انجام معامله

(به دلیل عدم ایفای تعهدات طرفین قرارداد در سررسیدهای مشخص) تکلیف مالیاتهای پرداخت شده در قسمت اخیر با ابهام مواجه خواهد گردید.

۱۱- اجرای موضوع ماده ۲۱ قانون، مبنی بر ارائه اظهار نامه مالیاتی ظرف پانزده روز از پایان دوره مالیاتی، بویژه برای دوره سه ماهه چهارم سال، با توجه به تعطیلات نوروزی از امکان و ضمانت اجرایی لازم برخوردار نمی باشد.

۱۲- عدم آشنایی مؤدیان با ساز و کارهای اجرایی این نوع مالیات اجرای موفقیت آمیز قانون را با تاخیر مواجه می نماید.

۱۳- از آنجا که بزرگترین مصرف کننده خود دولت می باشد بی شک اجرای قانون مذکور دارای اثرات افزایشی در تامین اعتبارات هزینه ای و عمرانی دولت خواهد گردید و بودجه عمومی دولت را از این حیث دستخوش تغییر قرار خواهد داد.

۱۴- در ابلاغ اجرای قانون به شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود توجهی نشده است از جمله اینکه:

واحدهای تولیدی همگی در دوران رکود، عدم فروش، تورم و مشکلات نقدینگی به سر می برند. و اجرای قانون در شرایط کنونی در نقدینگی بنگاهها تاثیر منفی می گذارد و فروش دشوار را دشوارتر خواهد کرد.

بخش دوم : مشکلات صنایع در رابطه با دستگاههای مختلف

وزارت امور اقتصادی و دارایی

۱- وقتی مؤدی از صورت وضعیت‌های ارسالی ۵ درصد علی الحساب مالیات حق الزحمه را کسر می‌کند و رسید آن را به حوزه داریائی مربوطه می‌سپارد و در موعد مقرر همراه با اظهارنامه، رسیدهای مزبور را تحویل می‌دهد تا از مبلغ درآمد مشمول مالیات او کسر شود، گرفتن تأییدیه از حوزه‌های مختلف مالیاتی وظیفه مؤدی نیست. اخذ تأییدیه و کلیه امور اجرائی آن مربوط به کارکنان سازمان مالیاتی است در حالی که وزارت امور اقتصادی و داریائی بیش از ۴۰ سال است از رایانه استفاده می‌کند ولی هنوز نتوانسته این مسئله ساده را که اولین وظیفه او است، حل کند.

۲- دولت نهم برای کنترل قیمت‌ها فشار مضاعفی را بر تولیدکنندگان وارد کرد. با وجود عوامل مختلفی که هزینه تولید را افزایش می‌دهد از قبیل دستمزدها و هزینه‌های جاری و حتی قیمت برخی از مواد اولیه و ... سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، شورای اقتصاد و معاونتی که در ریاست جمهوری برای بررسی قیمت‌ها ایجاد شده نهادهائی بودند که با افزایش قیمت فروش باید موافقت می‌کردند، زیرا همه بررسی‌ها در ماههای میانی و پایانی هر سال حاکی از افزایش قیمت‌ها بود که بالمآل می‌باید منجر به قبول افزایش قیمت فروش گردد. ولی به دلیل عدم توجه به این امر تعداد قابل ملاحظه‌ای از واحدهای تولیدی زیانده می‌شوند ولی این زیاندهی از نظر سازمان مالیاتی مورد قبول قرار نمی‌گیرد و لذا بار مضاعفی علاوه بر زیاندهی بر واحدها تحمیل می‌گردد.

۳- با وجود صراحت قانون در برخی موارد و دستور بالاترین مقام یعنی وزیر برای اعمال رسیدگی به مسائل ایجاد شده، بدنه اجرایی به قانون و دستور بی‌توجه است نمونه این نوع برخورد را در اعمال ماده ۱۱۳ قانون مالیات‌های مستقیم که ارتباط با مؤسسات کشتیرانی دارد، می‌توان دید.

۴- مغایرت استانداردهای قابل قبول حسابرسی با اقلام غیرقابل قبول هزینه از نظر قانون مالیات‌های مستقیم و ایجاد ذخائری که طبق استانداردهای حسابداری و سایر قوانین مورد قبول حسابرس می‌باشد (لیکن توسط ممیزین مالیاتی مورد قبول نیست.) مسائل عدیده‌ای را به وجود آورده است. وقتی قانون مالیات بر درآمد گزارش حساب‌برسان را مبنای تعیین مالیات قرار داده است لازم است همه استانداردهای قابل قبول حساب‌برسان نیز اجرائی گردد و از هر نوع دستورالعملی که مغایر با آن است، اجتناب شود.

۵- تعیین یک سقف مجاز برای تخفیفات و ضایعات جهت کلیه صنایع بدون توجه به نوع تولید که مورد استناد سازمان مالیاتی است باوجودی که نوع و طبیعت صنایع با هم متفاوت است، مبنای منطقی ندارد و دگرگونی آن براساس ضوابط قابل تعریف برای صنایع مختلف ضروری است.

۶- در کمیسیون‌های حل اختلاف برای آنکه مؤدی با کسانی روبرو باشد که توانائی بیشتر شناخت مسائل او را داشته باشند قانونگذار تصویب نموده است که نماینده‌ای از سوی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن در کمیسیون حضور داشته باشد. معمولاً اعزام اینگونه نمایندگان هزینه‌ای می‌طلبد که با مبلغ اندک حق حضور در جلسه، سازگار نیست. اگر به درستی هزینه لازم پرداخت شود، حضور نمایندگان سه گانه در هیأت‌ها ضروری است که اغلب چنین نیست. یکی از راههای حل این موضوع آن است که فرمی در اختیار مودی قرار گیرد که تصدیق کند جلسه رسیدگی به مسائل او با حضور چه کسانی و به چه نحو و از کجا رسیدگی شده است تا هیأت‌های حل اختلاف با حضور همه اعضاء تشکیل شود. لازم است با اتاق بازرگانی، صنایع و معادن این تعامل به وجود آید که به نحو مقتضی هزینه‌های پیش‌بینی شده در اختیار اتاق قرار گیرد تا همراه با پرداخت‌های جبرانی، نمایندگان اتاق در جلسات حضور داشته باشند.

۷- قانون، معافیت‌هایی را برای مؤدیان در نظر گرفته است که بر آن اساس سرمایه‌گذاری‌ها انجام می‌گیرد. برخی مواقع این معافیت‌ها وسیله چانه زنی قرار گرفته و بسیاری از مأموران دارائی به این معافیت‌ها توجه نمی‌کنند که نمونه‌های بسیاری از آنها در شهرک‌های صنعتی اتفاق می‌افتد. مؤدی برای اثبات ادعای خود و برخورداری از معافیت‌ها، دوندگی‌های زیادی را انجام می‌دهد ولی سازمان هیچگاه وقت و انرژی تلف شده مؤدی را به حساب نمی‌آورد و سازمان در برابر مأموران خاطی که یا آموزش لازم را ندیده‌اند و یا بی‌جهت اشکال تراشی کرده‌اند عکس العمل لازم از خود نشان نمی‌دهد.

۸- وقتی قانون صراحتاً گزارش حسابرس را ملاک تشخیص قرار داده است، این گزارش باید از طرف ممیزین پذیرفته شود و اگر در گزارش‌ها خللی وجود دارد این مؤدی نیست که باید مورد مؤاخذه قرار گیرد و حساب‌های او پذیرفته نشود یا تغییراتی در مالیات قابل پرداخت او ایجاد شود، اگر ایرادی وجود دارد، این حسابرس است که باید جوابگوی آن باشد. برای پاسخگویی او نیز لازم است سازمان‌هایی برای امر حسابرسی معرفی شوند که احاطه کامل به مسائل داشته و مورد احترام جامعه حساب‌برسان باشند.

۹- سازمان مالیاتی ارتباط لازم را با نهادهای صنعتی ندارد تا مصوبات و بخشنامه‌های خود را به موقع و در شرایط مناسب اطلاع رسانی کند. لازم است ارتباط این سازمان با تشکل‌های مختلف به خصوص تشکل‌های صنعتی برای اطلاع رسانی درست و به موقع برقرار گردد.

۱۰- عدم هماهنگی بین سازمان‌های مختلف دولت یکی از مشکلات مؤدیان است. به عنوان نمونه در آنالیز بهاء قیمت‌های پیشنهادی پیمانکاران ابنیه ۸ درصد سود برای کل کار پیش‌بینی می‌شود که در نهایت هم به علت تغییر قیمت‌ها این سود محقق نمی‌گردد ولی

تعیین ۱۲ درصد سود که اخیراً به ۱۴ درصد افزایش یافته، پیمانکار را دچار زیان می‌کند، ضمن آنکه نسبت به عودت ۵ درصدهای کسر گردیده نیز انواع اشکال تراشی‌ها انجام می‌گیرد.

۱۱- سازمان مالیاتی سیستم تهیه فاکتور با فرم تعیین شده را مبنای کار خود قرار داده است و به این واقعیت توجه ندارد که برای مؤدیان به خصوص پیمانکاران که در نقاط دوردست و محروم مشغول کارند، امکان تهیه آن وجود ندارد و این مؤدی است که باید زیان دستورات عملی‌ها را تحمل کند.

۱۲- برخوردهای متفاوت ممیزان با واحدهای مشابه و مسائل همسان، نشان دهنده نبود رویه‌های یکسان برای ممیزان و قرار نگرفتن آنها در جریان بررسی‌های نظام مالیاتی با موضوعات مختلف است.

۱۳- زیان حاصل از صادرات که برای یک فعالیت تولیدی ممکن است به دلایل متعدد اتفاق افتد باید از کل درآمدهای یک واحد جبران شود، ولی عملاً وزارت امور اقتصادی و دارائی به این واقعیت توجه ندارد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱- همکاری بانک مرکزی در تنظیم ضمانت نامه‌های بانکی برای استفاده از منابع تسهیلات خارجی محدود و قطع شده است در حالی که در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری به این منابع نیاز احساس می‌شود.

۲- تحریم‌ها در جریان تأمین مواد اولیه و قطعات، مشکلات جدیدی را به صنایع کشور تحمیل می‌کند. لازم است کمیته‌ای با اختیارات لازم در بانک مرکزی به وجود آید که

- با همکاری وزارت صنایع و معادن و تشکل‌ها برای حل مسائل، تصمیم‌گیری‌های صحیح و فوری انجام دهد.
- ۳- واریزی حواله‌های خارج از کشور طولانی است که علت آن را عدم تحرک بانک مرکزی قید می‌کنند.
- ۴- پرداخت ۲۰ درصد برای صنایع، برای گشایش اعتبارات اسنادی مدت‌دار نقدینگی‌ها را از جریان تولید خارج می‌کند.
- ۵- مسئله اطلاع‌رسانی صحیح از بخشنامه‌ها، چگونگی خطوط اعتباری و تصمیماتی که توسط بانک مرکزی ابلاغ می‌شود مشکل اغلب صنایع است. این کار اگر توسط تشکل‌های صنعتی و در ارتباط نزدیک با آنها انجام گیرد سهم عمده‌ای از مشکلات صنایع را مرتفع خواهد نمود.
- ۶- بوروکراسی حاکم بر بانک‌ها صنایع را دچار مشکل کرده است. در فرایند اخذ وام، تقاضا در شعبه بانک دولتی بررسی می‌شود و سپس به شعبه مرکزی آن بانک احاله می‌گردد و بعد از طی مراحل آن سر از بانک مرکزی در می‌آورد که متأسفانه زمان رسیدگی و اعلام جواب بانک مرکزی از همه طولانی‌تر است. تمام این مراحل وقت مدیران و کارکنان یک واحد تولیدی را بی‌جهت تلف می‌کند که در هر سیستم اقتصادی به عنوان عامل افزایش هزینه به حساب می‌آید ضمن آنکه هزینه‌های مختلف کارشناسی نیز به واحد تولیدی تحمیل می‌گردد.
- ۷- چرا واحدهای تولیدی مانند بسیاری از کشورها نمی‌توانند با تعهدات مکتوب از وام استفاده کنند تا هزینه‌های مرتبط با ترهین و یا خرید سفته و امثال آن، از دوش آنها برداشته شود.
- ۸- پیمانکاران در رابطه با صدور ضمانت‌نامه‌ها، خرید صورت وضعیت‌ها و داشتن گشایش مالی لازم در اجرای پروژه‌ها نیاز به تسهیلاتی دارند که اغلب از آنها دریغ می‌شود.

۹- در زمانی که برخی از بانکهای دولتی برای گشایش اعتبار و ایجاد خط اعتباری دچار مشکل هستند چرا بانک مرکزی، ارز در اختیار بانکهای خصوصی قرار نمی‌دهد تا آنها مشکلات تولیدکنندگان را با امکانات بیشتر حل کنند.

گمرک جمهوری اسلامی ایران

۱- ترانزیت کالا از مسیر کشور ما کار پرسود و لازمی است ولی قانون امور گمرکی و آیین‌نامه اجرایی آن با توجه به شرایط زمان و مکان جوابگوی حمل و نقل بین‌المللی و ترانزیت کالا از مسیر کشور ما نیست. تجدید نظر در این مقررات ضروری است.

۲- مبنای قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی یکی از مشکلات تولیدکنندگان است، با توجه به تغییرات قیمت، تفاوت‌هایی که بین قیمت‌های اروپا و شرق آسیا وجود دارد سازمان گمرک می‌تواند با تشکل‌های صنعتی راه‌کارهای مناسب را اتخاذ کند تا قیمت‌گذاری به نحوی تنظیم شود که نه بازار داخلی دچار کمبود شود، نه قاچاق کالا را تشویق نماید و نه تولیدکننده با رقابت‌های غیرواقعی روبرو شود.

۳- اعتمادسازی مبتنی بر خوداظهاری می‌تواند به توسعه فرهنگی منجر شود. به رسمیت شناختن شخصیت بنگاه‌های اقتصادی ایجاب می‌کند که روش‌های سالمی را مبنای کار قرار دهیم تا رضایت بیشتر در بنگاه‌های تولیدی ایجاد شود و هزینه‌های غیرضروری کاهش یابد.

۴- پرداخت نقدی برای ترخیص کالا سبب می‌شود که تولیدکننده جهت تأمین آن، هزینه‌های بیشتری را برای انبارداری و تخلیه و بارگیری از کانتینر متحمل شود. همکاری‌های سازمان گمرک در ترخیص فوری کالا و دریافت حقوق گمرکی در یک ظرف زمانی (فقط با تضمین واحد تولیدی نه استفاده از ضمانت‌نامه بانکی و اوراق

بهادار که هزینه‌ها را بالا می‌برد) کمک ارزنده‌ای به پائین آمدن هزینه‌های غیرضروری می‌کند و باعث تسریع عملیات و مانع رسوب کالا در گمرک می‌شود.

۵- اگر گمرکات کشور در مبادی ورودی تخصصی شوند تولیدکنندگان راحت‌تر می‌توانند نسبت به ترخیص کالاهای خود از نظر ماشین‌آلات خاص، مواد شیمیایی و کالاهای با تکنولوژی برتر یا کالاهای استراتژیک اقدام کنند و بسیاری از عدم رضایت‌ها که ناشی از برخوردهای غیرتخصصی مأموران گمرک است از میان خواهد رفت.

۶- اولویت دادن به ترخیص مواد اولیه، قطعات و لوازم یدکی و کالاهای مورد نیاز تولیدکننده کمک به تولید داخلی است. گسترش این نوع همکاری، احترام به صنعت و تولید داخلی است.

۷- موضوعی که اغلب تولیدکنندگان را با مشکل مواجه نموده این است که ارتباط بین مؤسسه استاندارد و گمرک تعریف شده نیست. کالائی در چند پارتی از طریق یک گشایش اعتبار وارد می‌شود ولی برای هر پارتی باید همان تشریفاتی را طی نمود که اگر کالا در یک پارتی حمل می‌شد. جالب توجه است که حتی با توجه به سوابق قبلی برخوردهای متفاوت بروز می‌کند. رفع تأخیرهای بی‌دلیل برای کالای وارداتی و صادراتی به علت عدم حضور نماینده استاندارد و یا مشکلاتی که از نظر آزمایش کالا به وجود می‌آید، ضروری است.

۸- عدم تأیید تعرفه‌های اظهار شده از طرف شرکت‌های تولیدی (که بعضاً طی مراحل مختلف حقانیت آنها ثابت می‌گردد) مشکلی است که در اکثر موارد بروز می‌کند. حضور ارزیابان متخصص و مطلع، برخوردهای مسئولانه، تلاش در اجرای قانون (نه با تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای) در کیفیت کار و سرعت امور گمرکی نقش اساسی برای تولیدکننده دارد.

وزارت بازرگانی

- ۱- بهترین مشاور برای تعیین تعرفه‌ها تشکل‌های مرتبط هستند که به کم و کیف واردات مواد اولیه و سایر نیازهای هر رشته تولید و قوف دارند. اگر این تشکل‌ها به نحوی تقویت گردند که توانائی‌های خود را در تمام زمینه‌های کسب اطلاعات به صورت کار کارشناسی بالا برند، نظر آنها برای تعیین تعرفه‌های وارداتی اعم از مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، قطعات و لوازم یدکی و سایر نیازها بهترین عامل تصمیم‌گیری است.
- ۲- در یک اقتصاد آزاد، بازار تعیین کننده نرخ ارز می‌باشد و بر آن اساس است که جریان صادرات و یا واردات شکل می‌گیرد. وقتی استراتژی توسعه صادرات داریم واحدهائی که دست به صادرات زده‌اند انتظار دارند که جوایز صادراتی منطبق با افزایش قیمت‌های داخل در زمانی که نرخ ارز ثابت نگاه داشته شده جبران کننده هزینه‌های داخلی آنها باشد. هیچ کشوری بدون مشوق‌های صادراتی نمی‌تواند در بازار پررقابت امروز امید به موفقیت داشته باشد. لذا باید اذعان نمود افزایش جوایز صادراتی با هدف ارتقاء صادرات امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.
- ۳- پرداخت جوایز صادراتی که بخش اندکی از هزینه‌های صادراتی را جبران می‌کند با تأخیر بسیار همراه است که این امر نقدینگی واحدهای تولید را دچار اختلال خواهد نمود.
- ۴- کارشناسان این وزارتخانه و مرکز توسعه تجارت می‌توانند بهترین مشاوران واحدهای تولیدی باشند که در مورد قوانین و مقررات به آنها مشورت دهند. صادرکننده‌ای که از سال ۸۱ صادرات داشته است، هیچگاه از جوایز صادراتی و دیگر مشوق‌ها بهره‌مند نبوده چون کارشناسان این سازمان مشورت صحیح به او نداده‌اند.
- ۵- کنترل شدید قیمت‌ها برخی از صنایع را به نابودی سوق داده است که از آن جمله می‌توان به صنایع تولید فرآورده‌های لبنی و گاز مایع، صنایع سلولزی و بهداشتی و ...

اشاره کرد. عامل مذکور به صورت ناعادلانه‌ای از افزایش قیمت آنها جلوگیری به عمل آورده و با وجود آنکه در برخی مراجع مختلف با افزایش قیمت محصولات صنایع موافقت شده ولی از اعلام رسمی آنها خودداری به عمل آمده است. و زمانی که با اتکای به موافقت با افزایش قیمت توسط بالاترین مقام مسئول، اقدام به فروش با قیمت‌های جدید شده، سازمان تعزیرات حکومتی مدیران صنایع را به مجازات‌های سنگین محکوم کرده است.

۶- اغلب واحدها درباره تشریفات ثبت سفارش، نوع فرم، حتی کمبود فرم و بوروکراسی حاکم شکایت دارند و معتقدند در عصر الکترونیک می‌توان از بسیاری از کارهای زاید جلوگیری کرد. ثبت سفارشی که به LC منتهی نشود، آمارهای غیرواقعی در اختیار قرار می‌دهد. چرا بین سیستم‌های اطلاعاتی سازمان‌های دولتی، بانک‌ها و بانک مرکزی یک ارتباط مستقیم ایجاد نمی‌شود تا بسیاری از گرفتاری‌های فعلی را برطرف سازد.

۷- نازل بودن کار کارشناسی و کم اطلاعی کارشناسان، مفقود شدن پرونده‌ها، درخواست‌های غیر اصولی مانند ذکر واژه‌های خاص در پیش فاکتورها، ارائه گزارش تست قبل از آن که تولیدی صورت گیرد (در زمانی که برای ورود مواد اولیه به صورت خام اقدام شده)، عدم هماهنگی بین روش ادارات و ایراد بی‌مورد برای صدور مدارک جهت صادرات کالا و از دیگر مشکلات مربوط به این حوزه در صنایع می‌باشد.

۸- برای مواجهه با پیامدهای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و اقداماتی که برخی از بانک‌ها و کشورها فراتر از تحریم‌ها انجام داده‌اند لازم است که وزارت بازرگانی به عنوان دستگاه مسئول که ارتباطات گسترده‌ای را با واحدهای تولیدی برای تأمین نیازهای آنها از خارج دارد دست به اقداماتی زند که مشکلات به وجود آمده را کاهش دهد، معلوم نیست چرا در این شرایط اجازه گشایش اعتبار به صورت **Confirmed** صادر نمی‌شود.

۹- پیمانکاران و صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی دو رشته فعالیت مهم برای ساخت و ساز و گسترش نفوذ کشور در بازارهای جهانی و ارزآوری به حساب می‌آیند که انتظار دارند کمیته‌ای مشترک از عوامل ذی مدخل در حوزه‌های ذیل آنها را در انجام وظیفه‌ای که به عهده گرفته‌اند یاری دهد:

- تهیه و تأمین مصالح از خارج و تسهیل این ارتباط،

- اطلاع رسانی از تسهیلات موجود،

- رفع مشکل دریافت تسهیلات بانکی برای پروژه‌های پیمانکاری و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور،

- مسئله تعهد صدور کالا و خدمات به میزان ۶۰ درصد از مبدأ،

- کمک به اجرای ابلاغیه‌های کمیته ماده ۱۹ (که برای همه دستگاه‌ها و بنگاه‌های مالی و اعتباری لازم‌الاجرا است).

۱۰- وابسته‌های بازرگانی کشور ما که در تمامی سفارتخانه‌های کشورهای دیگر حضور دارند می‌توانند کمک بزرگی برای معرفی کالاهای ایرانی و معرفی بازارهای مصرف یا تأمین مواد اولیه برای کشورمان باشند اگر این افراد را با شناخت بیشتر از امکانات کشور انتخاب کنیم و دائماً آنها را در ارتباط با مسائل تولید کشورمان قرار دهیم و فعالیت‌های آنها را از طریق تشکل‌ها به نحو مطلوب اطلاع‌رسانی کنیم قدم بزرگی برای اقتصاد ملی برداشته شده است.

وزارت نفت و شرکت‌های تابعه

۱- قیر، کالائی است که در بسیاری از صنایع داخلی و در امور راه و ساختمان مصرف قابل ملاحظه دارد. شایان ذکر است تامین قیر مورد نیاز همواره یکی از مشکلات صنایع و پیمانکاران مرتبط در این حوزه بوده است.

۲- تامین محصولات پتروشیمی برای تولید کنندگان داخلی کشور که از آن به عنوان مواد اولیه تولید و یا برای بسته بندی استفاده می‌کنند یکی از معضلاتی است که صنایع کشور با آن دست به گریبان می‌باشند. از این رو تعیین سهمیه‌ها با توجه به اینکه وسیله‌ای برای ایجاد رانت برای عده‌ای شده است، تولیدکنندگان واقعی را دچار مشکل اساسی نموده است. با وجودی که همواره در این باره مسائل و مشکلات واحدها مطرح شده است راهکاری که به اینگونه مسائل پایان دهد، اتخاذ نگردیده است.

۳- جوابگوئی به نیاز کارخانجاتی که از پلی استایرنی و پلی اتیلن استفاده می‌کنند، ضروری است. چگونه این دو کالا به حد کفایت در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد ولی در بازار آزاد همین کالاها را می‌توان خریداری کرد.

۴- یکی دیگر از مشکلات صنایع و مخصوصاً صنایع تولیدی که با معادن سروکار دارند مربوط به تامین نترات مورد نیاز آنها است که هر سال به طور متوسط در ۴ نوبت تولید آن به صورت محدود انجام می‌گیرد به طوری که در مواقع نیاز، تولید انجام نمی‌گیرد و یا بالعکس. علاوه بر آن دو نرخی بودن این کالا مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است.

۵- موضوع دیگری که شدیداً صنایع را دچار مشکل ساخته است، سهمیه بندی و تحویل سوخت است که تحویل گازوئیل و مازوت را برای صنایع مخصوصاً در نقاط سردسیر و در فصل سرما دچار مشکل اساسی می‌کند.

۶- در همین باره انجمن توزیع کنندگان گاز مایع نیز مشکلات عدیده دارند به طوری که از این سهمیه بندی‌ها دچار مشکل اساسی شده‌اند. به علاوه باتوجه به مسئولیتی که این

شرکت‌ها در قبال جامعه و مصرف‌کنندگان به عهده دارند در مواقع سرویس سالانه پالایشگاه‌ها، چون ذخیره سازی گاز مایع در حد لازم نیست، شرکت‌های توزیع کننده با اشکال بیشتری روبرو می‌شوند.

۷- کیفیت محصولات تولیدی صنعت نفت و پتروشیمی مهم‌ترین مسئله برای صنایع و مخصوصاً توزیع‌کنندگان گاز مایع است. اگر گاز مایع تولیدی برخی از پالایشگاه‌ها بهبود نیابد سبب خوردگی مخازن حمل و ثابت آنها می‌گردد که خطرات زیادی را به همراه دارد.

۸- سوپ گاز مایع که به صورت انحصار درآمده است باعث ایجاد مشکل برای توزیع آن در استان‌های شمالی و شمال شرقی کشور شده است.

وزارت نیرو

۱- بیشترین شکایت در مورد قطع برق بدون برنامه و یا قطع برق به علت بدهی است که موجب ضایعات زیاد تولید و تحمیل هزینه‌های فراوان به تولید می‌گردد ضمن آنکه در تقسیط بدهی برای واحدهای تولیدی همکاری لازم وجود ندارد.

۲- واحدهای تولیدی به همان میزان که از قطع برق شکایت دارند از نرخ بالای برق صنعتی و بالا بودن دیماند برق گله دارند و به مطالعه‌ای اشاره می‌کنند که در حدود سه سال قبل توسط وزارت صنایع و معادن و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت تهیه گردید و درباره قیمت برق و حتی یارانه‌ای که صنایع به وزارت نیرو می‌پردازند اشاره شده است.

۳- مسئله دیگر استاندارد نبودن تولید برق و نوسانات برق مصرفی است که اغلب دستگاه‌های الکترونیکی را از کار می‌اندازد و خسارت‌های سنگینی به واحدها تحمیل می‌کند.

- ۴- فرسودگی شبکه‌های برق رسانی و مشکلات ناشی از آن و عدم اقدام لازم و جدی برای تعویض اینگونه شبکه‌ها.
- ۵- دغدغه خاطر دیگر واحدهای صنعتی مسئله قیمت‌های سرسام‌آور انشعاب و هزینه ایجاد تأسیسات لازم برای مشتریان جدید است. ضمن آنکه فروش امتیاز انشعاب بی حساب بدون فراهم آوردن پیش زمینه‌های لازم باعث قطع برق و نوسان برق برای مشتریان قدیم و جدید می‌شود.
- ۶- بوروکراسی حاکم در ارتباط با تقاضاهای صنایع از دیگر عوامل بازدارنده است. به طور نمونه وقتی شرکتی می‌خواهد از انشعاب آزاد به انشعاب دائم تبدیل وضع دهد باید مدت‌های زیاد دوندگی کند.
- ۷- وزارت نیرو نه تنها در برابر هزینه زیاد سخت‌افزارها که توسط مشتری باید تهیه گردد برای تأمین کننده امتیازی قائل نیست، حتی خود را مسئول در حفظ و نگهداری به موقع آنها نیز نمی‌داند.
- ۸- تأخیر زیاد در پرداخت مطالبات پیمانکاران و تأمین کنندگان قطعات به طوری که امروز این مطالبات به چندین هزار میلیارد ریال رسیده است.
- ۹- عدم تخصیص اعتبار و بودجه مناسب برای پروژه‌ها با توجه به برنامه زمان‌بندی آنها که عملاً افزایش زمان اجرای پروژه‌ها را در پی دارد و موجب خسارت زیاد برای ارائه دهندگان خدمات است.
- ۱۰- حساس نبودن کارفرما (مدیریت پروژه) نسبت به پیشرفت پروژه‌ها به علت عدم پرداخت‌ها در موقع خود.
- ۱۱- طولانی بودن فرایند برگزاری مناقصه‌ها تا حصول نتیجه.
- ۱۲- کم‌اعتنایی به واحد IT و خدمات مرتبط با آن که راهگشای ارائه خدمات مؤثر به همه سازمان‌ها است.

۱۳- هزینه‌های بالای انشعاب و مبلغ آب بها که در آن ضابطه‌ای جز مصرف میزان آب وجود ندارد.

۱۴- اگر وزارت نیرو مسئول شبکه‌های فاضلاب است، همکاری این وزارتخانه در شهرک‌های صنعتی برای رفع گرفتاری‌های ایجاد شده برای صنایع شبکه‌های فاضلاب ضروری است.

وزارت جهاد کشاورزی

۱- برای واگذاری زمین‌های مربوط به شهرک‌های صنعتی به تولیدکنندگان و گرفتن اسناد مالکیت، همکاری این وزارتخانه بسیار کارساز است.

۲- برای واردات پوست و فرآورده‌های آن، سازمان دامپزشکی مقررات بسیار سختگیرانه‌ای را مدنظر قرار داده که برخی از شرایط آن قابل اجرا نیست. به عنوان نمونه، این سازمان گواهی بهداشت را بر مبنای فرمی که خود تهیه کرده است می‌پذیرد در حالی که هر کشور برای صادرات پوست و فرآورده‌های پوستی گواهی بهداشت را بر اساس فرم مخصوص به خود ارائه می‌دهد که نمی‌توان او را مجبور به تغییر آن نمود.

۳- مقررات مربوط به قرنطینه نیاز به تجدید نظر و بازنگری دارد که در این باره تشکل‌های صنعتی مرتبط کشور می‌توانند مشاوران مناسبی برای بهبود آن باشند.

۴- تولید شیر خام تحت نظر وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌گیرد. با توجه به اینکه مصرف سرانه ایران نصف استاندارد جهانی که ۱۶۰ کیلو است می‌باشد و عرضه و تقاضا نیز در این حد کم، همخوانی ندارد لازم است نسبت به توسعه سرمایه‌گذاری در دامپروری اقدامات اساسی صورت گیرد تا صنایع وابسته نیز بتوانند به تولید کافی دست زنند.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

- ۱- شفاف نبودن مقررات مربوط با بهداشت کار
- ۲- نیاز به داشتن بهداشت کاران مجرب برای سرکشی به واحدهای تولید و کمک به آموزش آنان حتی برای رعایت بیشتر مسائل بهداشتی و اینکه خود را در تقابل با تولیدکننده نبینند و بدانند رهنمود دهنده‌اند نه ضابط دادگستری و مواجهه با خلافکار
- ۳- تشریفات صدور پروانه‌های مختلف طولانی است، مخصوصاً اخذ پروانه ساخت محصول
- ۴- دفتر مربوط به ضوابط تأسیس و بهره‌برداری واحدهای تولیدی شوینده، بهداشتی و آرایشی بسیار مفصل و با ذکر جزئیات زیادی است که به جای ارائه رهنمود، عملاً تبدیل به یک وسیله مزاحمت شده است. اگر این ضوابط با کمک نمایندگان صنعت و همانند ضوابط کشورهای توسعه یافته تنظیم شود بسیاری از مشکلات فعلی را با اینگونه شرکت‌ها برطرف می‌سازد.
- ۵- ضوابط و مقررات نظارت، پاسخگوی شرایط روز نیست.
- ۶- واردات کالاهایی که کاربرد غذایی و یا دارویی دارند برای واحدهایی که از آنها استفاده صنعتی می‌کنند، اشکالات زیادی را به وجود آورده است.
- ۷- بوروکراسی حاکم بر این وزارتخانه بسیار طولانی است به طوری که برای گرفتن یک امضاء حدود ۲۰ روز باید صرف وقت شود.
- ۸- موضوع واگذاری امر نظارت بر مواد غذایی به مؤسسه استاندارد با توجه به تخصصی بودن آن، جای تأمل دارد.
- ۹- آزمایشات و معاینات بدو استخدام و دوره‌ای دارای ضوابط یکسان نیست، برخی از ادارات به حضور نیروی خدماتی در کلاس بهداشت و صدور کارت ۶ ماهه جهت آنان اقدام می‌کنند در حالی که در منطقه‌ای دیگر ضرورت حضور در کلاس منتفی است و کارت هم یکساله صادر می‌شود.

- ۱۰- عدم صدور مجوز آزمایشات و معاینات ادواری به شرکت‌هایی که امکانات و تجهیزات لازم را فراهم نموده‌اند و الزام آنها به استفاده از خدمات خارج.
- ۱۱- هیچگونه قیمت ثابت و ضوابط معینی از سوی این وزارتخانه برای آزمایشات و معاینات ادواری تعیین نشده در نتیجه مناطق مختلف با قیمت‌های متفاوت و گران به این کار مبادرت می‌کنند.
- ۱۲- پروانه ساخت براساس استانداردهای مواد غذایی صادر می‌گردد در حالی که این ضوابط به روز نیست و سال‌ها از تجدید نظر آنها می‌گذرد. تغییرات و نوآوری در صنایع غذایی به سرعت انجام می‌گیرد و واحدهایی را که با امکانات تولیدی جدید می‌خواهند کالا تولید کنند، دچار مشکل اساسی کرده است.
- ۱۳- عدم استفاده از نظریات انجمن‌ها در تصویب و اجرای قوانین و مقررات مرتبط با رشته‌های صنعتی که با این وزارتخانه در ارتباط‌اند.

مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی

- ۱- به روز نبودن ضوابط استانداردهای ملی. لذا تا تهیه استانداردهای ملی می‌توان از استانداردهای مورد قبول جهانی استفاده کرد.
- ۲- طولانی بودن مراحل تجدید نظر در استانداردها
- ۳- نبود نظارت کافی بر عملیات (نمونه آن برخی از سکوه‌های تأسیسات شرکت‌های توزیع کننده گاز مایع می‌باشد)
- ۴- انطباق محصولات وارداتی با استانداردهای مورد قبول به درستی صورت نمی‌گیرد. در حالیکه سلامت جامعه و اقتصاد به این نوع کنترل‌ها وابسته است.

- ۵- به علت کمبود آزمایشگاه‌ها در مبادی ورودی (مخصوصاً بنادر) و تأخیر در ارسال پاسخ‌ها، افزایش رسوب کالا در بنادر به وجود می‌آید که این خود یک عامل مؤثر در افزایش قیمت تمام شده کالا است.
- ۶- بارها مشاهده شده که مؤسسه استاندارد به دلیل فقدان کیفیت و غیرقابل قبول بودن کالا دستور مرجوع شدن کالا را داده ولی همان کالا سر از بازار مصرف درآورده است. از این رو باید اذعان نمود مکانیسم نظارت و بازرسی فعلی نیاز به بازنگری جدی دارد.
- ۷- برخی اوقات کالاهای مرجوع شده در مرحله بعد با ارائه گواهی کیفیت که شرکت بازرسی کالا صادر نموده، وارد بازار گردیده، لازم است بر اینگونه مؤسسات، نظارت اصولی‌تری اعمال شود.
- ۸- فرایند کار کارشناسی جهت اخذ کاربرد علامت استاندارد برای محصولات، بدون دلیل طولانی است.
- ۹- نبود استانداردهای لازم برای برخی از کالاهای وارداتی مخصوصاً در مورد مواد شیمیایی که امکان آزمایش آنها در مؤسسه نیست، تولیدکننده داخلی را که از این مواد برای تولید محصولات خود استفاده می‌کند با مشکلات زیادی روبرو کرده است. (صرف هزینه، اتلاف وقت و ...)
- ۱۰- شبکه اطلاع‌رسانی مناسبی برای استانداردهای تدوین شده، تغییر یافته و ... وجود ندارد.
- ۱۱- موازی بودن برخی از فعالیت‌های مؤسسه استاندارد با دیگر سازمان‌ها و ایجاد دوگانگی در برخوردها (دولت یک نهاد یکپارچه است که همه سازمان‌های آن باید با هماهنگی هم و به صورت یک کل دیده شود. سازمان‌های دولتی جزایر مجزا از هم نیستند که فارغ از یکدیگر مقررات خاص خود را اعمال کنند)
- ۱۲- عدم اعتماد به آزمایشگاه‌های همکار

۱۳- کارشناسان مؤسسه لزوماً در همه مسائل مرتبط دارای تجربه و دانش کافی نیستند لازم است از نظرات کارشناسی تشکل‌ها بهره‌گیری کنند.

۱۴- تدوین استانداردها بدون همکاری با تشکل‌ها و سایر ذینفعان سبب اظهارنظرهای شخصی کارشناسان مؤسسه در تدوین استانداردها می‌شود که بسیاری از مشکلات بعدی را رقم می‌زند.

۱۵- تغییرات سازمانی مؤسسه استاندارد که با تغییر مدیریت‌ها صورت می‌گیرد همواره برای مؤسسات صنعتی مشکل‌ساز بوده است.

۱۶- برای عضویت در WTO یکی از فعال‌ترین مؤسسات باید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی باشد تا با توجه به شرایط بومی و نیازهای بین‌المللی، استاندارد کالاها را کامل کند. برخی از آنها دیگر کاربرد برای فعالیت‌های امروز کشور ندارد.

۱۷- صلاحیت شرکت‌های نمونه‌بردار و کارکرد آنها باید مورد توجه و نظارت بیشتری قرار گیرد.

وزارت راه و ترابری

۱- با وجودی که شرکت‌های هوایی ما به همه نقاط جهان پرواز ندارند، اخذ مبلغ ۱۰ درصد اضافی از حمل و نقل‌هایی که با هواپیمای خارجی انجام می‌گیرد، بار هزینه غیر عادلانه‌ای را به تولید تحمیل می‌کند.

۲- سازمان بنادر و کشتیرانی از کلیه محموله‌های وارداتی که با کشتی‌های غیرایرانی و حتی توسط مؤسسات حمل و نقل ایرانی حمل می‌گردد، مبالغ قابل توجهی بابت عوارض دریافت می‌کند که یکی از عوامل افزایش قیمت تمام شده کالا شده است.

۳- پائین بودن ظرفیت و سرعت حمل و نقل ریلی و گرانی دور از انتظار کرایه حمل و نقل ریلی به رغم توافقات مورد تأیید و تصویب سازمان حمایت و بررسی و کنترل قیمت‌ها مشکل‌ساز شده است.

۴- محدودیت‌های موجود در تناژ مجاز بارگیری، ناشی از نارسائی‌های فنی جاده‌ها هزینه‌های سربار تولید را اضافه می‌کند.

۵- دارندگان کامیون که هزینه‌های آنها در اثر خرابی جاده‌ها و استهلاک بیشتر بالا می‌رود، سعی دارند این هزینه‌ها را تا چند برابر بیشتر به واحدهای تولیدی تحمیل کنند. به طوری که ارقام بارنامه‌ها مرتباً روبه فزونی است و هیچگونه راه کاری هم برای تغییر آن وجود ندارد.

۶- شرکت‌های فعال در حمل و نقل متخلف، از تعقیب توسط واحدهای صنعتی نگرانی ندارند زیرا راه‌کار مشخصی برای کنترل و طرح شکایت از آنها وجود ندارد و راه فرار بسیار زیادی در اختیار آنان قرار گرفته است.

۷- به علت محدودیت استفاده از کامیون‌های استانی جهت حمل و نقل داخلی و نبود رقابت، هزینه‌ها بسیار زیادتر از حد متعارف شده است.

۸- تأخیر در رسیدن بار به مبادی خروجی به دلیل انحصاری بودن استفاده از کامیون‌های استانی

۹- محدودیت استفاده از خطوط کشتیرانی به دلیل خطرناک بودن کالا و بالا بودن هزینه‌های حمل این نوع کالاها

۱۰- ضرورت تسهیل شرایط مربوط به پایانه‌های ترابری در جهت جابجائی مواد و محصول واحدهای تولیدی

۱۱- انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته می‌گوید:

ورود به مسائل و مشکلات مربوط به این وزارتخانه و سازمان‌های تابعه آن از حوصله ذکر در پرسشنامه خارج است و می‌بایستی مسائل ما با تشکیل جلسات گفتگوی متقابل بررسی و حل و فصل گردد.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

- ۱- درخواستی مبنی بر اجاره یک خط ارتباط نقطه به نقطه (Point to Point lead line) بین کارخانه در یک شهر مرکزی پراهمیت و دفتر مرکزی در تهران به شرکت مخابرات ارائه شده و با گذشت چندین ماه هنوز بی پاسخ مانده است. این مشکل به طور مکرر بیان شده است.
- ۲- ضعف پوشش مخابراتی با پهنای باند ارتباطات اینترنتی در همه جا مخصوصاً شهرستانها یک مشکل اساسی است. سالهاست بنگاههای اقتصادی جهان برای برنامه ریزی و بهره گیری از منابع از سیستمهای یکپارچه بهره گیری می کنند ولی هنوز بنگاههای کشور ما برای استفاده از نرم افزارهای ERP Web base نمی توانند از پهنای باند مؤثر استفاده کنند.
- ۳- بسیاری از صنایع از فیلترینگ سایتها در رنج هستند که این خود مانع از بازاریابی آنها و دسترسی به آدرسهای مورد نظر برای فروش محصول می شود. وقتی تقاضای بازنگری درباره سایت فیلتر شده می شود، اغلب بی پاسخ رها می ماند. به عنوان نمونه صناعی که فروشنده Wet blue (مرحله ای از پوست فرآوری شده برای تولید چرم) هستند برای جستجو با واژه Wet مشکل دارند.
- ۴- نبود سند راهبردی مبنی بر استراتژیهای توسعه ICT.
- ۵- بوروکراسی موجود بین واحدهای مرکزی دیتا در تهران و مخابرات استان مرکزی جهت دریافت VPN.
- ۶- عدم حمایت از بخش خصوصی فعال در رابطه با صنعت مخابرات.
- ۷- برای رفع اختلاف در قراردادهای انفورماتیک مرجع شناخته شده ای جز ساز و کار شورای عالی انفورماتیک که ساز و کار مناسبی نیست، وجود ندارد.

۸- متخصص ترین افراد صنف در ارتباط با این وزارت از عدم قطعیت مناقصات، زمان بسیار طولانی در تصمیم گیری و اعلام برنده مناقصه، متمم های مکرر و بی نظمی در انتخاب پیمانکار سخن می گویند و جالب آنکه صنایع بسیاری شکایت از فقدان دانش تخصصی در پاسخگویی به نیاز مراجعین و درخواست کنندگان دارند که این شکایت نیز از زبان تخصصی ترین تشکل های مرتبط با این وزارت هم بیان می شود.

۹- برخی از مشتریان مانند معادن براساس مقرراتی که این وزارتخانه وضع نموده، به صورت طرح خاص باید تمام هزینه های تأسیسات ارتباط تلفنی و دیتا Data و موبایل را پرداخت کنند و در پایان تأسیسات را تحویل شرکت مخابرات دهند. جالب است که هزینه های این نوع مراکز براساس اجاره کانال FX به طور ماهانه دریافت می گردد و توجه به سرمایه گذاری قابل توجه ۱/۵ میلیارد ریالی نمی شود و سرویس دهی هم با مشکل اساسی روبرو است.

۱۰- شکایت مکرر مدیران از خرابی خطها مخصوصاً خطوط تلفن همراه و مشکلات پوشش این خطوط است، ضمن آنکه به اعتقاد عموم مدیران در جهانی که این هزینه ها مرتباً کاهش می یابد، هزینه ارایه خدمات مخابراتی در این وزارتخانه بالا است و اصولاً در خصوص کاهش هزینه ارایه خدمات مذکور تعهدی وجود ندارد.

۱۱- اخذ فول تلکس و خدمات مربوط به سوئیتهای بانکهای تجاری با اختلال و تأخیر انجام می گیرد.

وزارت امور خارجه

ورود، اقامت و اجازه کار کارشناسان خارجی با توجه به تقاضای شرکتها و مؤسسات ایرانی به سهولت انجام نمی‌گیرد، در حالیکه برای جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی که نیاز کشور است، باید اینگونه رفت و آمدها به راحتی انجام گیرد، اجرای پروژه‌های مشترک چنین نیازی را به صورت فوری و در ظرف چند ساعت الزام آور می‌کند.

وزارت مسکن

- ۱- بی‌توجهی و عدم رسیدگی به مسائل و مشکلات پیمانکاران
- ۲- پروژه‌های عمرانی نیاز به مدیریت ثابت، تصمیم‌گیری به موقع و متناسب با وضع روز از سوی کارفرما دارد که این امر با مشکل.

وزارت صنایع و معادن

- ۱- وزارت صنایع و معادن در هنگام احداث واحدهای جدید و صدور مجوز از آنها نظرخواهی نمی‌کند و افزایش بی‌رویه اینگونه واحدها باعث اتلاف سرمایه، منابع مالی و نیروی انسانی می‌گردد.
- ۲- تشکلهای انتظار دارند که برای تصمیم‌گیری‌ها با آنها مشورت شود و آنها را در انجام فعالیت‌ها مشارکت دهند.
- ۳- وزارت صنایع و معادن هنوز نتوانسته یک بانک اطلاعاتی صحیح از مجوزهای صادره خود را تشکیل دهد. یکی از شرکت‌ها که در این زمینه کار تحقیقی انجام داده است، اعتقاد دارد ۵۷ درصد اطلاعات موجود به هنگام نیست.

۴- انتظار از وزارت صنایع و معادن آن است که تمام مشکلات موجود را با دیگر وزارتخانه‌ها در سرلوحه کار خود قرار دهد و پشتیبان آنها در رفع مسائل باشد.

استانداری

بسیاری از کالاهای تولیدی در یک استان که مورد نیاز سایر واحدهای تولیدی مستقر در آن استان است بدون آنکه در اختیار واحدهای مستقر در آن استان قرار گیرد به دیگر استان یا به خارج از کشور صادر می‌شود. در حالیکه بنا به برنامه‌ریزی‌های اولیه، واحدهای صنعتی که به آن استان رفته‌اند برای بهره‌گیری از محصولات تولیدی در همان استان بوده است تا هزینه کمتری بپردازند و دخالت استانداری‌ها در این باره ضروری است.

سازمان محیط زیست

اجرای آئین نامه‌های IMO جهت پیشگیری از آلودگی محیط زیست متوقف مانده است.

شهرداری

۱- یکی از شرکت‌ها می‌گوید زیرزمین ساختمان خود را که حدود ۱۰۰ متر مربع و متروکه بود تبدیل به نمازخانه و نهارخوری کارکنان کردیم تا در روز فقط یک بار از آن استفاده شود. اکنون شهرداری مطالبه ۳۰۰ میلیون تومان برای تغییر کاربری زیرزمین می‌خواهد. وقتی گفته شد آن را به صورت اولیه برمی‌گردانیم قبول نکردند و باعث شده‌اند که موضوع ساده به صورت یک مسئله بغرنج در آید و ناچار ما را برای طرح شکایت به دستگاه‌های مرتبط با قوه قضائیه بکشاند که جز اتلاف وقت و انرژی ما برای شهرداری سودی دربر نخواهد داشت.

- ۲- شهرداری که با فشارهای مختلف از تولید کننده‌ها عوارض می‌گیرد خدمات شهری مطلوب را ارائه نمی‌دهد (یکی از مراکز استان‌ها)
- ۳- عدم تبعیت از بخشنامه‌ها و ضوابطی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مقرر داشته و استفاده موردی و برخورد سلیقه‌ای توسط شهرداری‌ها
- ۴- شهرداری به مشکل کمبود نقدینگی در صنعت توجه ندارد و مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌کند و حاضر به تعامل با واحدهای تولیدی نیست.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

- ۱- عدم ابلاغ به موقع شاخص‌های تعدیل و نرخ‌های مابه‌التفاوت
- ۲- عدم تطبیق نرخ‌های اعلام شده با قیمت واقعی که خواه ناخواه به کاهش حساسیت‌های مسئولان و مدیریت‌های کارفرمایی در اجرای پروژه‌ها منجر می‌گردد.
- ۳- بی‌توجهی به شرایط پیمان‌ها و نبود برابری حقوق و منافع پیمانکار با حقوق و منافع کارفرما.
- ۴- وجود اشکالات عمده در مبانی تعیین نظام حق الزحمه طرح‌های مطالعاتی و پائین بودن آن در مقایسه با حق الزحمه طرح‌های اجرایی - نظارتی.
- ۵- مشکل ارجاع کار به مهندسان مشاور از طریق برگزاری مناقصه که سبب رقابت در ارائه حق الزحمه‌های غیرواقعی می‌گردد و بر کیفیت کار اثر می‌گذارد.
- ۶- ایجاد همکاری بین سازمان نقشه برداری، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و مرکز بین‌المللی زلزله لازم است تا دسترسی به اطلاعات مجاز به صورت مکانیزه و آسان در اختیار استفاده کنندگان قرار گیرد.

سازمان بورس و اوراق بهادار

سازمان بورس و اوراق بهادار با استفاده از قانون جدید در امور داخلی شرکت‌ها دخالت می‌کند به عنوان نمونه افزایش سرمایه که نشان دهنده سلامت یک واحد تولیدی است موکول به اجازه بورس شده که برای انجام آن انواع مشکلات را ایجاد می‌نماید بعلاوه انواع دخالت‌های دیگر را به این عملکرد باید اضافه کرد.